

بنیاد بین المللی یهود



An Affiliated Organization of
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES

چشم انداز

CHASHM ANDAAZ

شماره هفدهم

می-جون ۱۹۹۲ ــ اردیبهشت ۱۳۷۱ ــ ایار ۵۷۵۲

چهل و چهارمین سالگرد استقلال اسرائیل

در این شماره میخوانید . . .

صفحه

شماره هفدهم

می– جون ۱۹۹۲ – اردیبهشت ۱۳۷۱ – ایار ۵۷۵۲

چشم انداز



سیامک

Published by:International Judea Foundation
P.O.Box: 3074 Bevelry Hills, CA 90212
(818)503-1270

سردبیر : داریوش فاخری
همیاران سردبیر: آشر آرام نیا
شهرام سیمان
ایرج صفائی
سردبیر بخش عبری: داوید فاخری
و همگامی: مترجمین و گزارشگران چشم انداز

چشم انداز نشریه ای است برای بازتاب افکار و دست آوردهای یهودیان دنیا . هدف ما روشنگری واقعیتهای یهودیت، مسائل و آرزوها و امید یهودیان . مبارزه با نژاد پرستی و همراهی با هدفهای بشردوستانه انسانهای جهان میباشد .
نظرهای نویسنگان متعلق به آنان بوده و لزوما بازتاب نظریات چشم انداز نمیباشد .
نقل مطالب چشم انداز با ذکر ماخذ مجاز میباشد .
چشم انداز در انتخاب مقالات رسیده مجاز است و صحت و سقم مندرجات آگهی ها به عهده صاحبان آن میباشد . مقالات رسیده مسترد نمی گردد . نامه های بدون نام و نشانی قابل استفاده نخواهد بود . در صورت تمایل از مقالات شما با امضاء محفوظ تحت حمایت قوانین آمریکا استفاده میشود .

حروفچینی و صفحه بندی چشم انداز از
ژ . مصابند: ۸۱۸) ۸۸۱ . ۱۰۰۸)

خواهشمند است «چشم انداز» را به نشانی من ارسال دارید
همت عالی

نام F/ Name ________ نام خانوادگی L/ Name ________

خیابان Street ________ شماره آپارتمان Apt, No. ________

شهر City ________ ایالت State ____ کد پستی Zip Code ________

تلفن منزل H. Phone ________ تلفن کار B. Phone ________

"داریوش فاخری"

سوغاتی‌های خود

درجستجوی چه بودیم که به اینجا رسیده ایم؟

روز مادر را به همه مادران خوبمان تبریک می گوئیم. باشد که این سپاس گفته، قطره ای از دریای سپاس ناگفته مان باشد.

با همسرم در این مورد صحبت می کردم می گفت که معنی مادر نمونه را درک نمی کند. می پرسید چگونه می توان مادری را بر مادری دیگر ارجحیت نهاد؟ مادران با همه احساس، فداکاری و ایثار کامل فرزندانی را به جامعه تحویل می دهند و بار خانواده ای را با همسرشان بر دوش می کشند و یا بی همسرشان، نه برای آنکه در مسابقه ای شرکت کنند. بلکه مادر باشند با همه قدوسیتی که این نام در بر دارد.

● چهل و چهارمین سال استقلال اسرائیل و یکی شدن و به اورشلیم رسیدن دوباره ۲۵ ساله را به تمام یهودیان دنیا تبریک می گوئیم.

سازمان «سیامک» به همین مناسبت ۳۱ ماه می امسال در «لس آنجلس»* و در فستیوال یهودیان لوس آنجلس غرفه ای دارد و این واقعه مبارک را به جشن می نشیند ـ با امید دیدارتان و تجدید عهد امسال که همه در راه کمک به مهاجران روسی به اسرائیل ـ حمایت بیدریغ از کشور اسرائیل و لغو بایکوت اعراب بر علیه اقتصاد اسرائیل بکوشیم.

* Fairfax High School

● زمانیکه «یاسر عرفات» در صحرای «لیبی»، ضمن پرواز از خارطوم به تونس،هواپیمایش سقوط نمود و ناپدید شد، سازمان «پی ال او» از آمریکا خواست که با کمک ماهواره ها او را پیدا کنند که کردند. آمریکائیها شاید یادشان نیامد یا نخواستند یادشان بیاید که همین آقای «یاسر عرفات» ۱۹ سال پیش دستور قتل سفیر آمریکا در خارطوم را صادر کرد و توسط تروریستهای PLO این قتل انجام شد.

● دولت انگلیس که منع ورود اسلحه به خاورمیانه را ترغیب و پشتیبانی می کند در ۸ آپریل امسال قرارداد نفتی با عربستان سعودی امضاء کرده که بر اساس آن دولت عربستان در ازای ۳۴ بلیون دلار اسلحه پیشرفته و تقدیم ۲/۶ بلیون دلار پیش پرداخت نفت به انگلستان صادر خواهد نمود. این قرارداد برای نیم میلیون بشکه در روز می باشد. شاید بد نباشد بدانید که دولت انگلیس صدور اسلحه به اسرائیل را قدغن نموده است!.

در این میان دلم برای ملت عربستان می سوزد.

● دولت فرانسه که سال گذشته با ارسال ۵۰۰ میلیون دلار وام آپارتمان سازی در صحرای «نگو Negev» اسرائیل برای جذب مهاجرین موافقت کرده بود، امسال نیز با اختصاص دادن یک وام چند صد میلیونی برای ایجاد پروژه هایی که بتواند این مهاجرین را به کار مشغول نماید حسن نیت خود را نشان داده است.

● ربای کنیسای «پارک ایست» نیویورک، وزارت خارجه را ترغیب نمود که منع واردات و صادرات ۳۰ ساله بین کوبا و آمریکا را برای مدتی کوتاه متوقف کند که مقدار ۷۶۵ پاوند غذای مخصوص پسح عید امسال را به ۱۲۰۰ یهودی کوبائی برساند. «وقتی که عشق باشد»

● در ماه آپریل امسال یک کشتی سوری که در حال غرق شدن بوده و درخواست کمک اضطراری نموده بود توسط اسرائیلیها نجات داده شد و به بندر اسرائیلی وارد و پس از تعمیرات لازمه به آبهای بین المللی و مقصد خود بازگشت.

با وجود حالت جنگی بین دو کشور، اسرائیلیها از همکاری و احترام دو طرفه کارکنان کشتیها صحبت می کردند. همچنین در ماه گذشته اسب گران قیمت پرنس اردن با فرار و گذشتن از رودخانه، خودش را به کشور اسرائیل رساند. بچه های کیبوتص ناحیه با اسب بازی کرده و پس از نوازش بسیار و ارسال نامه ای برای شاه حسین که از او خواسته بودند که با اسرائیل صلح نماید اسب را به مقامات سازمان ملل پس دادند تا به اردن باز گردانیده شود.

«اگر ملتها تصمیم می گرفتند و

بچه ها رای می دادند»

● طبق نوشته «پال اجلوتی» ناشر روزنامه «الفجر» که با اجازه «یاسرعرفات» چاپ شده، رهبران فلسطینی غزه و کناره های غربی رود اردن دلشان زندگی ای مثل رهبران فلسطینی خارج از اسرائیل را می طلبد. بر اساس گزارش این روزنامه رهبران فلسطینی در خانه های اشرافی پر از اطاق زندگی می کنند، برای زنان خود حقوق تعیین کرده و حسابهای بانکی بنام زنان خود در بانکهای مختلف باز می کنند تا مثل مارکوس رد گم کنند. کامپیوترهای گران قیمت می خرند و میهمانیهای با شکوه برای خرید عقاید عمومی به نفع خود راه می اندازند.

این ناشر که روزنامه را در اورشلیم شرقی چاپ و پخش می کند و در نیویورک بسر می برد، از خوانندگان خود خواسته که مدارک فساد رهبران را برایش به آدرس پستی بفرستند. وی ادعا می کند که «یاسرعرفات» هم از معاونان خود دل خونی دارد و وی را ترغیب به نوشتن کرده است. بعد از جنگ خلیج فارس و اشتباه بزرگ دیگر سیاسی عرفات، ۱۰۰ میلیون دلار کمک عربستان سعودی به PLO قطع شده ولی رهبران این سازمان همچنان به اقامت در هتلهای ۵ ستاره ـ نوشیدن جانی واکر سیاه ـ خرج بیمارستان فامیل و شهریه دانشگاههای فرزندان خود از بیت المال ادامه می دهند.

با اینهمه ۳۰ درصد غرامت قربانیان شورش «انتفادا» پائین آمده و بسیاری از ۲۰۰۰ کارمند PLO در خطر از دست دادن کار خود می باشند.

این روزنامه عقیده دارد که «یاسرعرفات» هنوز مظهر ناسیونالیسم فلسطینهاست ولی قدرت رهبری به داخل سرزمین اسرائیل و رهبران فلسطینی آن چون «حنان اشراوی» ، «ساری نوصیبه» و «فیصل حسینی» انتقال یافته است.

● «ربای مناخم کتزک» از شاگردانش می پرسد خدا کجاست ـ جواب می دهند همه جا ـ وی می گوید نه ـ خدا هر جائی است که تو اجازه بدهی وارد شود.

● در مراسم پسح رسم یهودیان اروپائی است که در موقع خوردن شراب، ۱۰ قطره آن را به بیرون از جام پرت می کنند.

دلیل این عمل این است که نوشیدن شراب مظهر شادی ـ لذت و آقایی و سربلندی است، ولی برای رسیدن به این شادی و آقایی، مصریان در دریا غرق شدند و ۱۰ بدبختی دیدند. چون یک یهودی انسان دوست نمی تواند با بدبختی دیگران احساس خوشبختی کند بدین وسیله خوشی خود را ناتمام می گذارد و شراب خود را کاملاً نمی نوشد.

نکته قابل توجه دیگر در مراسم پسح نبودن اسم «مشه ربنو» در سراسر مراسم و هگادا است.

با توجه به عقل، درایت، شجاعت و رهبری و معجزات بی شمار «مشه ربنو»، سراسر مراسم پسح از اسم وی خالی است و فقط از خدا و زحمات وی تشکر می شود.

نکته اینکه فرد پرستی و آدم خاکی را در حد خدا بردن حتی با مقام شامخ این پیامبر که بسان یک شاهزاده بزرگ شد و کلیم الله بود، در دین ما وجود ندارد.



سرویس ملکه

جهت بهتر برگزار کردن جشن ها و میهمانیها



با سابقه چندین ساله و درخشان در جامعه کلیمی، ضمن در اختیار داشتن کادر ورزیده شامل: وله پارکینگ، بارتندر، ویترس، و بتر و دیزاین میوه آماده خدمت به هم میهنان عزیز کلیمی می باشد.

قبل از برگزاری جشن ها جهت تنظیم وهماهنگی با ما مشورت نمائید.

استپانیان

Office:
(818) 353-9263
(818) 352-6422

Beeper:
(818) 420-0608
(818) 569-8514

گوشه ای از فعالیتهای سازمان سیامک
International Judea Foundation

مرحلهٔ دوم ضمانت وام درخواستی

● با توجه به رد درخواست ضمانت وام ۱۰ بیلیون دلاری اسرائیل از طرف پرزیدنت (بوش) این مسئله هنوز یکی از مسائل مهم یهودیان می باشد. ما انتظار داریم که این موضوع مجدداً یا در ماه جون بدنبال انتخابات در اسرائیل و یا احتمالاً بعد از انتخابات در ایالت متحده آمریکا مطرح گردد.

متاسفانه افسانه های بسیاری در این رابطه بوجود آمده که هیچگونه کمکی به حل مسئله نمی کند. این یک همکاری بدون خرج و گرفتاری برای آمریکا می باشد که رشد ۲۰ درصد جمعیت در یک مدت کوتاه در اسرائیل را با کمکهای انساندوستانه حمایت کند.

این عمل در ضمن یک کمک اقتصادی به کشور آمریکا خواهد بود چون اسرائیل حداقل ۳ بیلیون دلار از این پول قرض گرفته شده را در کشور آمریکا خرج خرید مواد و سرویس خواهد کرد.

لذا بر هر فرد انساندوستی (یهودی و غیر یهودی) لازم است که :

۱ـ با شماره تلفن ۱۱۱۱ـ۴۵۶(۲۰۲) تماس گرفته و گفته شود که اسرائیل هنوز به این ضمانت وام شدیداً احتیاج دارد و آمریکا بنوعی در قبال اسرائیل وظیفه دارد که این تعهد باز پرداخت را بنماید.

۲ـ به شماره ۶۲۲۷ـ۷۷۶ـ۹۰۰ـ۱ تلفن بشود. به شکل کاملاً اتوماتیک یک نامه با نام شما برای سناتور Alan Cranston, John Seymour و پرزیدنت بوش فرستاده می شود و یک کپی نامه را برای شما پست می کنند.

● بدعوت روابط عمومی شورای فدراسیون یهودیان لس آنجلس یک برنامه ناهار در روز پنجشنبه ۳۰ آپریل ساعت ۱۲ در Board Room این سازمان برپا شد. در این جلسه Shamuel Hadas مشاور وزیر در روابط خارجی اسرائیل و سرپرست اداره کشاورزی اسرائیل که اولین سفیر اسرائیل در کشور اسپانیا بود سخنرانی ای ایراد کرد.

آقای Hadas در کشور آرژانتین بدنیا آمده و در سال ۱۹۵۴ به کشور اسرائیل مهاجرت کرده است. وی در سال ۱۹۸۴ به خدمت سرویس دیپلماتیک کشور اسرائیل درآمد. نامبرده در امور روابط خارجی با کشورهای آمریکای لاتین تخصص دارد.

● روز دوشنبه ۴ ماه می ساعت ۷/۳۰ بعد از ظهر از طرف کمیته روابط خارجی فدراسیون یهودیان آمریکایی شاخهٔ خاورمیانه جلسه سخنرانی برپا شد. موضوع این جلسه «تحریم اقتصادی اعراب بر علیه اسرائیل» و تصمیم برای مقابله با آن بود.

در این جلسه آقای دکتر Nail Sandbery رئیس اجرائی Pacific Rim Institute و آقای Jack Salem رئیس کمیسیون ضد تحریم خاورمیانه و بالاخره خانم Vicky Rideauth در مورد چگونگی مقابله با این تحریم و اینکه متقابلاً باید خرید محصولات کمپانیهایی را که در این تحریم شرکت دارند تحریم کرد.سخنرانی جالبی ایراد کردند. گردانندهٔ این برنامه ربای Joel Rembam بودند.

● اطلاع یافتیم که در روز یکشنبه ۳۱ می ساعت ۱۰ صبح مسابقه «اطلاعات درباره یهودیت» در کنیسای نصح انجام خواهد شد. این مسابقه بین جوانان یهودی سراسر ناحیه لوس آنجلس برقرار خواهد گردید و موضوع سئوالات «میتصوا» انتخاب شده است. ورود برای همگان آزاد است و در پایان مسابقه از مدعوین پذیرائی بعمل خواهد آمد.

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲۲۱۸ـ۳۵۳(۲۱۳) تماس حاصل فرمائید.

شورش در لوس آنجلس

در ماه گذشته لس آنجلس در آتش و دود می سوخت، بی اعتمادیهای گروهی به گروه دیگر که با خشونت و انفجار همراه بود، این بی ثباتی همسان دانستنی ها و همراه بودنهای موقتی را برخ تک تک ما کشید.
برای یهودیان انساندوست و همیشه مغضوب، واین خاطره های موحش درباره دیگرانی که شاید برای اولین بار طعم ناگوار این واقعه را می چشند چه غم انگیز بود و برای ایرانیان بطرر اعم چه ناگوار تجدید خاطره ای نه چندان دور.





این عکسها یادآور این روزهای شوم غیر انسانی است.
شاید تجربه ای شود برای خواستن های با هم و یاد گرفتن اینکه اختناق، تکبرو برتری طلبی و فاصله بین انسانها چه دردناک و اسف بار است.



نوشتهٔ: داوید فاخری (سردبیر بخش عبری)

اسرائیل امروز

چهل و چهارمین سال استقلال اسرائیل در لوس آنجلس



پنجشنبه هفتم ماه می نمایندگان سازمان سیامک و همچنین خبرنگاران ماهنامه چشم انداز از جانب اعضاء این سازمان در مراسم با شکوه سالروز استقلال اسرائیل که توسط کنسولگری آن کشور در محل «سفارادیک تمپل» تشکیل شده بود، شرکت نمودند. آقای (ران رونن) سرکنسول اسرائیل با گرمی بسیار نمایندگان سازمان را مورد استقبال و محبت قرار داده و فرمودند که بزودی ماموریت ایشان پایان پذیرفته و از رابطهٔ صمیمانه و نزدیکی که بین سازمان سیامک و سایر ادارات اسرائیل در زمان تصدی ایشان در کنسولگری برقرار بوده ابراز سپاسگزاری نمودند.



David Ben-Gurion reads the Declaration of Independence: Reaffirming an ancient and continuous history.

اهداف سازمان را که شامل شناسائی بیشتر (صیهونیسم) به خوانندگان یهودی و غیر یهودی از طریق ماهنامه چشم انداز، کمکهای لازم در امور مهاجرت هم کیشان روسی و اتیوپی، و همچنین در اختیار گذاردن بورسهای تحصیلی به دانش جویان ایرانی در دانشگاههای اسرائیل و دیگر موارد مفید را ستوده اظهار امیدواری کردند که این رابطه بصورت گسترده تری با کنسولگری و مقام آینده آن ادامه یابد. در این مراسم ابتدا سرود ملی اسرائیل نواخته و با آوای همه گان خوانده شد، آنگاه آقای (رونن) ضمن عرض تبریک و خوش آمد به مدعوین که از تمام طبقات عالی اجتماعی کالیفرنیا، ادارات دولتی، کنسولگریهای سایر کشورها و برخی از نمایندگان سنا دعوت شده بودند اظهار نمود که کشور کوچک اسرائیل با تمام سختیها و فشارهائی که از جانب کشورهای دشمن همسایه و غیر همسایه چه از لحاظ اقتصادی و چه از نظر نظامی به آن وارد می آید تمام سعی خود را می نماید که در ضمن نگهداری قدرت عالی دفاعی همچنان سرسختانه در راه تحصیل به صلح با دشمنان خود ادامه بدهد. ایشان از نماینده آقای (بوش) که در این مراسم حضور داشت بعنوان نماینده امریکا از تلاشهای این کشور در راه رساندن کشورهای خاورمیانه به صلحی دائمی تشکر نمود. وی همچنین اظهار داشت که اگر گاهی سوءتفاهمهائی بین دولتهای اورشلیم و واشنگتن پیش می آید هرگز بر اساس روابط محکم و راستین این دو کشور که هر کدام برای دیگری بصورتی مهم مفید می باشند لطمه نخواهد زد. برای نمونه در بحبوحهٔ روابط تقریباً سردی

که واشنگتن، اورشلیم را به فروش رازهای نظامی آن کشور به چین متهم می نمود و بعد هم با عذرخواهی امریکا از اسرائیل همراه بود، عملیات نظامی مشترک واحدهای برجسته نظامی آمریکا و اسرائیل و بویژه نجات مجروحین از ناحیه نبرد که در قسمتهای جنوبی اسرائیل به مدت چند روز ادامه داشت بعمل آمد که نتایج آن مورد تائید فرماندهان نیروهای مشترک گردید. این برنامه که با پذیرائی گرم و اجرای برنامه های هنری همراه بود چنان شرکت کنندگان را به وجد آورده بود که همراه با آقای (رونن) و سایر کارمندان کنسولگری به اجرای رقصهای گروهی و سنتی عبری پرداخته و چهل و چهارمین سال استقلال اسرائیل را به نحو شایسته ای برگزار نمودند.

● سران کشورها و استقلال اسرائیل

در میان دهها تلگرامهای تبریکی که به دفتر رئیس جمهور اسرائیل آقای (حییم هرتصوک) سرازیر شده اند امسال چهره های تازه ای بمناسبت سالروز استقلال اسرائیل مراتب تهنیت خود را به ملت و دولت اسرائیل تقدیم داشته اند. که از میان آنان رئیس جمهور چین و پادشاه نپال را می توان نام برد.

از برجسته ترین نامهائی که در پای کارت تبریکات امضاء شده اند می توان ملکه انگلستان، ملکه هلند، رئیس جمهور فیلیپین، رئیس جمهور آفریقای جنوبی و رئیس جمهور آلمان و دیگر ارزشمندانی که افتخار داشتن رابطهٔ مستقیم با کشور اسرائیل را دارند نام برد. رئیس جمهور آمریکا ضمن عرض تبریک استقلال اسرائیل در پیام خود کوشش آقای «شمیر» و دولت وی را در تحصیل به یک صلح همه جانبه در خاورمیانه ستوده است. در تلگرام آقای «هرتصوک» رئیس جمهور اسرائیل به کلیه یهودیان جهان آمده است که کشور اسرائیل در یک تلاش وسیع که به معجزه بیشتر شباهت دارد هر لحظه درهای تازه ای را به رسیدن توافق و صلح با همسایگانش و سایر ملل می گشاید. ایشان از تمام یهودیان جهان خواستند که از هر کوششی در امر مهاجرت به کشور خودداری نورزند و این را یک وظیفه اصلی نسبت به خود بشمارند. رادیو روسیه نیز متن سخنرانی رئیس ستاد ارتش اسرائیل (باراک) در مراسم (آشویتس) که چند هفته قبل در آن محل توسط ایشان ایراد گردید را پخش و به سمع میلیونها شنونده خود رسانید.

● جمعیت اسرائیل

بر طبق گزارش اداره آمار انسانی اسرائیل تا بعد از ظهر روز استقلال امسال (چهل و چهارمین سال) جمعیت کشور به پنج میلیون و نود هزار نفر بالغ گردیده است که در مقایسه با زمان مشابه سال قبل به میزان (۴،۳ درصد) یعنی به مقدار دویست و ده هزار نفر افزایش نشان می دهد. میزان این افزایش بر تعداد ۱۰۳ هزار نفر مهاجر که یک درصد از سال قبل کمتر بوده حساب گردیده است. یهودیان ۸۲ درصد یعنی ۴،۱۷۰ میلیون، مسلمانان ۱۳،۸ درصد یعنی ۷۰۰ هزار نفر، مسیحیان ۲،۵ درصد یعنی ۱۳۰ هزار نفر و دروزیها ۱،۷ درصد برابر با ۸۵ هزار نفر از جمعیت کل کشور را تشکیل می دهد. این آمار شامل افرادی که در سرزمینهای تصرفی سکونت دارند نمی گردد

● سرشکستگی مصری

«داوید اویچ» بازرگان اسرائیلی که بمنظور شرکت در مناقصه تزئین سفارت امریکا در مصر به آن کشور سفر نموده و همراه با یک خانواده عرب اسرائیلی (فارس موسراتی) و دختر و پسر وی بطور جداگانه به اتهام واهی جاسوسی بنفع اسرائیل توسط مامورین امنیتی مصر دستگیر و به مدت ۸۶ روز در زندانهای انفرادی ۲ x ۱ متر نگهداری و مورد آزار و شکنجه مامورین مزبور به منظور اعتراف به جرم قرار گرفته بودند. بعد از سرشکستگی اداره های امنیتی مصر از عدم حصول نتیجه دلخواه به اسرائیل توسط هواپیمای «ال ـ آل» باز گردانده شدند.

در طول مدت بازجوئی بنا به اظهارات قربانیان این حادثهٔ از پیش ساخته شده، مامورین مصری آنان را تهدید به اعدام و تحت سایر عذابهای روحی قرار داده اند. حتی در چندین مورد آنان را در سلولهای عمومی با زندانیان شیعه و اخوان المسلمین که دشمنان قسم خورده اسرائیلیها محسوب می گردند تنها گذاشته اند که مورد آزار قرار گرفته و حتی درصدد قتل آنان بر آمده اند. با اینکه بعد از مدتی کوتاه بی گناهی افراد مزبور به آنان ثابت گردیده ولیکن از نردبانی که با بی فکری از آن بالا رفته بوده اند به آسانی نمی توانسته اند پائین بیایند در نتیجه به مدت ۸۶ روز در پی یک چاره جوئی

اساسی بوده اند که دم خود را از این تله برهانند که این عمل ایشان نگرانی و ناراحتی خانواده های افراد مزبور و خشم دولت و ملت اسرائیل را به همراه داشته است.

این اولین باری نیست که دولت مصر (به اصطلاح در صلح با اسرائیل) دست به چنین اقداماتی به منظور دلخوشی برخی از گروهها و احزاب ضد دولتی می زند.

● سوریه و آزادی یهودیان سوری

شایعات مربوط به خروج یهودیان مقیم سوریه بطور آزاد از آن کشور که توسط خبرگزاریها پخش گردید چندان مورد تائید آقایان «شمیر» و «لوی» قرار نگرفته است. این دو مقام همچنان منتظر یک اعلامیه رسمی منتشره از دولت سوریه در این باره می باشند. بنظر آنان پخش این خبرها بیشتر بمنظور جلب توجه عمومی می باشد.

● سرباز دروز، جانباز ارتش

در میان سربازان شهید اسرائیلی که در راه حفظ حقوق و جان شهروندان این کشور جان خود را باخته اند می توان سربازان غیر یهودی اسرائیلی را که وفاداریشان نسبت به کشور کمتر از هموطنان یهودیشان نیست مشاهده نمود که چگونه با کمال شهامت و از خودگذشتگی در راه ادای وظیفه نسبت به پرچم کشوری که بیشترین خدمت را نسبت به آنان (در مقایسه به هم قبیله ایهای آنان که مقیم کشورهای عربی همسایه می باشند) نموده است جان خود را باخته اند.

ماه گذشته متاسفانه شاهد یکی از این فداکاریها و جانبازیهای یکی از سربازان متهور «دروز» که در واحد رزمی شمال خدمت می کرده است بودیم. (صلاح تفش) که همراه با واحد خود در یک ماموریت گشتی مواجه با گروهی خرابکار در جنوب لبنان می گردند مجبور به زد و خورد مسلحانه می شوند. وظیفه «صلاح» در واحد مزبور رسیدگی و کمک به مجروحین بوده است. در این برخورد غافلگیرانه چندتن از سربازان مورد اصابت گلوله قرار گرفته و مجروح در ناحیه بجا مانده بوده اند این سرباز جسور بدون توجه به تیراندازیهای پیاپی که بطرف او می شده به یاری مجروحین می شتابد. شدت تیراندازی از ناحیه خرابکاران بحدی بوده که افسر فرمانده بوی دستور می دهد که فوراً در پی پناهگاه برآید و جان خود را حفظ نماید لیکن وی با شهامت بسیار همچنان به پانسمان مجروحین ادامه می داده تا متاسفانه بر اثر گلوله ای که بوی اصابت می نماید جان خود را از دست می دهد.

در مراسم مخصوصی که با حضور فرمانده لشکر شمال سرتیپ (اسحق مردخای) بمنظور بزرگداشت این شهید با شهامت و همچنین با حضور یاران هم واحد وی و اعضاء خانواده آن مرحوم تشکیل گردید مدال افتخار ارتش به پدر وی تقدیم گردید. سرتیپ «مردخای» در سخنانی که ایراد نمود. (صلاح تفش) را نمونه بارزی از یک سرباز وظیفه شناس و جسور که تحت نظر فرماندهان ارتش اسرائیل به اینگونه که شایسته یک سرباز اسرائیلی است تعلیم یافته توصیف نمود. در این مراسم سرهنگ دومی که در آن حادثه جانش توسط (صلاح تفش) نجات داده شده بود نیز حضور داشت.

● تاکید آقای خامنه ای در نابودی اسرائیل

واحدهای اسرائیلی با همکاری سربازان مسیحی مستقر در جنوب لبنان مواضع یک دهکده شیعیان حزب الله در خاک لبنان را به تلافی پرتاب موشک از جانب آنان به یک پست نظامی اسرائیلی را زیر رگبار آتش توپخانه گرفتند.

بنا به گزارشهای رسیده خسارات مالی و جانی به ساکنین آن مواضع رسیده است. در همین حال آقای «علی خامنه ئی» رهبر مذهبی ایران با «حسن نصرالله» فرمانده حزب الله لبنان در تهران ملاقات نمود. در این ملاقات آقای «علی خامنه ئی» مصراً اعمال تروریستی حزب الله نسبت به اسرائیل را مورد تائید و تاکید قرار داد و از حزب الله خواسته است تا نابودی کامل اسرائیل به عملیات خود ادامه دهند. در این دیدار آقای «خامنه ای» به «حسن نصرالله» اطمینان داد که ایران همچنان به پشتیبانی حزب الله لبنان در هر زمینه ای ادامه خواهد داد.

● مراسم روز شهدا

روز یادآوری شهدای ارتش در اسرائیل امسال نیز هم چون سالهای قبل برگزار گردید. در ساعت ۸ شب قبل از روز مزبور با شنیدن صدای آژیر در سراسر کشور تمام مردم به مدت یک دقیقه ساکت بر جای خود ایستادند. اتوموبیلها از حرکت باز ایستاده و کشور به احترام جانبازان ارتش سکوت کرد. در روز شهدا که شامل تمام جان

باختگان واحدهای رزمی، اطلاعاتی و پلیس می شود مراسم ویژه ای در ۴۰ واحد ارتشی و قبرستانهای نظامی برگزار گردید. همچنین مجدداً در ساعت ۱۱ همان روز صدای آژیر شنیده شد و مردم به احترام شهدا سکوت نمودند. بنا به گزارش وزارت دفاع از آغاز جنگهای استقلال تاکنون (۱۷۴۱۸) سرباز در عملیات مختلف بمنظور حفظ استقلال و آزادی اسرائیل شهید گردیده اند. در این مدت سازمانهای مربوط به وزارت دفاع به (۹۱۸۰ه) تن از مجروحین جنگها که بطریقی از کار افتاده شده اند و (۱۹۳۹۹) تن از خانمهائی که همسرانشان را در اینگونه حوادث از دست داده اند و یا فرزندانی که یتیم گردیده اند کمک مالی پرداخته و در نهایت علاقه و توانائی به یاری آنان ادامه می دهند. همچنین مراسم شهدا در تمام دفاتر نمایندگی اسرائیل در جهان برگزار گردید.

● دستگیری عاملین بمب گذاری

در پی تعقیب همه جانبه بمنظور یافتن خرابکاران مسئول بمب گذاری سفارت اسرائیل در آرژانتین ۷ تن ایرانی و یک نفر ایتالیائی در پایتخت (اکوادور) شناسائی و توسط مقامات امنیتی به اتهام بمب گذاری مزبور دستگیر گردیدند. بنا به گفته این مقامات (که ترکیبی از افسران اسرائیلی، امریکائی و آرژانتینی می باشد) شواهد بسیار محکمی در دست می باشد که این عده مسئول آن واقعه بوده اند. عضویت آنان در سازمان جهاد اسلامی و ردگیری زمانی و مکانی این افراد در زمان وقوع حادثه که با بجا گذاردن یک وانت بدون سرنشین حاوی مواد منفجره در نزدیکی سفارت و با استفاده از دستگاه کنترل از راه دور بمنظور انفجار آن ثابت می نماید که نمایندگان سیاسی ایران در خارج از کشور در تهیه مواد مورد لزوم و اجرای آن نقشه شوم با مجرمین مزبور همکاری مستقیم داشته اند.

ژرژ هارونیان

انتخاب مدرسهٔ فرزندان: آیا حق اولیاء باید باشد؟

PARENTAL CHOICE IN EDUCATION

بررسی یک لایحه پیشنهادی

با نزدیک شدن تاریخ انتخابات عمومی امسال آمریکا که در سوم نوامبر سال جاری برگزار خواهد شد، در کنار مبارزاتی که برای احراز کرسی های مختلف دولتی در جریان است از جمله مقام ریاست جمهوری، عضویت در مجالس سنا و نمایندگان و پست های ایالتی و محلی، جلوهٔ دیگری از دموکراسی آمریکا را در عمل شاهد خواهیم بود. و آن مطرح شدن لوایح از سوی گروههای مختلف مردم برای رای گیری در انتخابات عمومی می باشد که آنرا Proposition می نامند . با آنکه قانون اساسی ایالتها، مجالس نمایندگان و سنای ایالت را مسئول وضع، تغییر و یا حذف قوانین آن ایالت کرده است ولی در ضمن به افراد جامعه این حق را داده است که خود با طرح پیشنهادات و در صورت جلب پشتیبانی کافی از تعداد معینی از رای دهندگان (مراجع قانونی آن تعداد را تعیین می نمایند)، این لوایح را در انتخابات برای نظر خواهی عموم مطرح کنند. معمولاً زمانی که بخشی از افراد جامعه از قوهٔ قانونگذاری دلسرد شده و توانایی اصلاحات لازمه را در نمایندگان خود نمی بینند این اقدامات صورت می گیرد و از معروف ترین این لوایح در چند سال اخیر که پیروز شده اند می توان از Proposition 13 که در بارهٔ محدودیت مالیات املاک و Proposition 103 که برای محدودیت نرخ بیمه اتومبیل بود نام برد.

وضعیت تعلیم و تربیت در اکثر مدارس عمومی Public School آمریکا را می توان با جرات در بسیاری موارد غیر قابل قبول و اسفناک در نظر گرفت. از یک طرف به علت کمبود بودجه و نداشتن مربیان آزموده و کثرت دانش آموز، سطح درسی در این نوع مدارس سیر نزولی دارد و از طرف دیگر با بالا گرفتن جنایات، تیراندازی، چاقوکشی، سهل بودن ابتیاع مواد مخدر و آزادی بی قید و بند حتی در دوران دبستان در روابط دختران و پسران، بسیاری از اولیاء را عاصی و عمیقاً ناراضی نموده است. تا آنجائیکه در چند سال گذشته جامعهٔ آمریکا شاهد به عرصه آمدن تعداد قابل توجهی «مدارس خصوصی» بوده است. علت وجودی این مدارس نه فقط واهمه اولیاء از سطح نازل درسی در مدارس عمومی و یا موج جنایات و خشونت بوده بلکه بسیاری به علت علاقه برای حفظ هویت فرهنگی و مذهبی خود به این مدارس روی آورده اند از این جمله اند: مدارس یهودیان، کاتولیک ها، سیاهان و غیره.

بدون شک در بیش از یک دهه گذشته این مسئله ای بوده که تمامی اولیاء جامعه ما نیز با آن روبرو بوده اند و دریافته اند که ارائه سیستم و تربیت یهودی به دلبندانشان و تلاش در حفظ هویت یهودی آنان در اکثر موارد با توجه به سطح درآمدها بسیار گرانقیمت و خارج از توانایی مالی آنان است . به طور متوسط شهریه یک مدرسهٔ تمام وقت یهودی در سال ۵۰۰۰ دلار است که با در نظر گرفتن دیگر مخارج از قبیل حق عضویت در کنیسا و غیره حتی تا سالی ۶۵۰۰ دلار یا بیشتر هم می رسد و اگر پدر و مادری صاحب بیشتر از یک فرزند باشند که مشکل دو چندان است.

از آنجائیکه «آگاه کردن جامعه از مسائل روز» یکی از اهداف سازمان سیامک می باشد، این ماموریت به نگارنده واگذار شد که با کسب اطلاعات در حد امکان گزارشی از «لایحه پیشنهادی» تهیه و به نظر جامعه داده شود و به این علت که این بحث در میان تشکیلات یهودی آمریکائی نیز مطرح گردیده، مواضع له و علیه برای آشنایی و آگاهی جامعهٔ یهودی ایرانی تبار مطرح گردد.

لایحه مورد نظر که «انتخاب اولیاء در تعلیم و تربیت Parental Choice in Education نامیده می شود

و به عنوان متمم قانون اساسی ایالت کالیفرنیا عرضه گردیده فعلاً در مرحلهٔ جمع آوری امضاءهای لازم برای مطرح شدن در انتخابات می باشد. خلاصهٔ پیشنهاد از این قرار است:

«این متمم قانون اساسی این حق را به هر پدر و مادری می دهد که فرزند خود را در مدرسهٔ دلخواه خود نام نویسی نماید. دولت ایالت موظف است که بورس تحصیلی برابر با حداقل نصف مخارج سرانه سال مالی قبل برای هر دانش آموز در صورت تقاضای پدر و مادر دانش آموز بپردازد. این بورس به صورت حواله به هر مدرسه ای که اولیاء تصمیم بگیرند پرداخت می گردد و بدین ترتیب مدارس عمومی که تماماً با بودجه دولت تامین می گردند به صورت نیمه مستقل در خواهند آمد. در ضمن در مورد چگونگی رسیدگی به سطح آموزشی این سیستم جدید نیز پیش بینی هایی گردیده که خارج از بحث این نوشته است.»

در میان جامعه یهودی، جبهه موافقین این طرح را اکثراً کسانی تشکیل می دهند که معتقد به تعلیم و تربیت یهودی در صورت تمام وقت می باشند. آنان با ارائه این دلیل ایدئولوژیک که در یک دموکراسی «حق انتخاب» و «حق کسب تعلیم و تربیت» از حقوق ابتدائی زندگی در آن جامعه دموکراتیک است و این دلیل واضح اقتصادی که رقم حدود ۲۵۰۰ دلار در سال کمک قابل توجه و لازمی برای جلب بخش عظیمی از دانش آموزان یهودی به مدارس تمام وقت یهودی است، بحث خود را مطرح می نمایند. آنها معتقدند که بسیاری به خاطر بالا بودن شهریه است که به این مدارس نمی آیند و اگر کسی مایل به مبارزه با «تحلیل قومی Assimilation» می باشد از این پیشنهاد می باید جانبداری نماید. زیرا که فقط با تعلیم و تربیت است که می توان با این مشکل روبرو شد. پاسخ ایشان به کسانی که می گویند این پیشنهاد باعث پیدایش تعداد فراوانی مدارس غیر یهودی خواهد شد و نتیجهٔ آن دوری و عدم تفاهم میان فرهنگ ها و اقلیت های مختلف است، منفی است. علاقهٔ گروه ها، و اقلیت ها، مختلف را برای ایجاد مدارس که بر محور اعتقادات و باورهای آن گروه ها و اقلیت ها برپا می شود را امری مثبت و موثر می دانند و اشاره می کنند به موفقیت مدارس خصوصی در مقابله با مسئله Gangs و مواد مخدر و فرار از درس در گتوهای سیاهان و دیگر اقلیت های کم اقبال تر.

در آن سو، مخالفین این طرح می گویند که مدارس عمومی در واقع بلیط ورودی یهودیان به جامعهٔ آمریکا و طریق قبول شدنشان در آن بوده. در این جامعه برخلاف ممالکی که از آنها آمده ایم، فاصله و دیواری مابین دولت و مذهب تعیین گردید و موافقت با این پیشنهاد را در واقع روگردانی و حق ناشناسی به مبانی دموکراسی آمریکا تلقی می کنند و آنرا در جهت فرو ریختن این دیوار می شناسند. از دید ایشان یک مدرسه عمومی موفق که در آن دانش آموزان با فرهنگ ها و اعتقادات مختلف گرد هم می آیند نمایانگر واقعی آمریکاست و با اینکه به اشکالات و مسائل مختلف در مدارس عمومی واقفند ولی پیروزی این پیشنهاد را باعث هر چه بدتر شدن وضعیت این مدارس و نه بهبود آن می دانند، مخصوصاً در مناطق فقیرتر و متوسط تر شهر. از دید آنها این پیشنهاد مشکل را برای بعضی ممکن است حل کند ولی برای بعضی مشکل دوچندان می شود، پس راه حل اساسی این نیست.

عیب دیگر این پیشنهاد، طرح آن به عنوان متمم قانون اساسی است و غیر قابل تغییر بودن آن که در صورت بروز مشکلات و مسائل پیش بینی نشده، بر طرف کردن آن باعث ایجاد مسائل قانونی و بغرنج است که خارج از مسیر اصلی برای حل مسئله تعلیم و تربیت است.

جالب توجه است که کمیتهٔ روابط عمومی وابسته به شورای فدراسیون یهودیان لوس آنجلس (آمریکائی) اخیراً رای به مخالفت با این پیشنهاد را داده (Jewish Community Relation Council) و ادارهٔ فرهنگ یهود وابسته به همان فدراسیون که متشکل از فرهنگیان و دست اندرکاران مدارس یهودی است پس از بحث از نظر دادن و جانبداری در این مورد امتناع کرده است.

از: دکتر مینرا مقبوله

خنده برهر دردی دواست!!

در یکی از افسانه های کهن آمده است که در روزگاران بسیار قدیم سه برادر جوان و برومند در قصر مجلل در کنار هم زندگی می کردند. این سه برادر هر یک از پدرشان به هنگام مرگ او، استعداد خارق العاده و معجزه آسا به ارث برده بودند. برادر اول این استعداد را داشت که هر لحظه اراده می کرد، قادر بود در چشم خیال خود، هر چه را که در اقصی نقاط گیتی می گذشت، به وضوح ببیند. برادر دوم این استعداد را داشت که هر لحظه اراده می کرد، درشکه ای جادویی در خدمتش حاضر می شد و در یک چشم به هم زدن او و همراهانش را به اقصی نقاط گیتی می رساند. برادر سوم این استعداد را داشت که هر لحظه اراده می کرد و قادر بود حتی عبوس ترین و افسرده ترین افراد را به خنده وادارد و به این وسیله حتی لاعلاج ترین امراض را شفا ببخشد. دست بر قضا، یک روز برادر اول با استفاده از استعداد درونی خود، اطلاع یافت که شاهزاده خانم بسیار زیبایی در سرزمینی دور دست به بیماری مهلکی دچار گشته و هیچ پزشکی قادر به معالجهٔ او نیست. این برادر فوری دو برادر دیگر را در جریان ماجرا گذاشت.

برادر دوم بلافاصله درشکه جادویی را احضار کرد و هر سه با هم به نزد شاهزاده بیمار شتافتند. در این جا بود که برادر سوم استعداد خارق العاده اش را بکار برد و آنقدر شاهزاده را با گفتار و رفتار خود خنداند که او بکلی شفا یافت و شاد و شنگول از بستر مرگ برخاست. پدر شاهزاده که قول داده بود او را به همسری شخصی در بیاورد که بتواند او را معالجه کند، در قبال این سه برادر نیکوکار و انتخاب یکی از آنها به دامادی دچار اشکال شد و با خردمندان دربار به مشاوره نشست. آنها به او این طور توصیه نمودند که پاداش برادر اول و دوم را با سیم و زر و جواهر بدهد. اما شاهزاده خانم زیبا را به همسری برادر سوم در آورد، چون برای شفا بخشیدن به شاهزاده با از خودگذشتگی حاضر شد، آبرو و مقام و حیثیت خودش را با دلقک بازی و لودگی پایمال کند.

گر چه بعضی معتقدند که گریه بر هر درد بی درمان دواست، اما آنچه که روز بروز بیشتر ثابت می شود این است که «خنده بر هر درد بی درمانی دواست.» خنده در بدن انسان ایجاد

هورمون تسکین دهنده و شفابخش «اندورفین» می کند و حافظ به همین منظور گفته است:

با دل خونین لب خندان بیاور همچو جام

نی گرت زخمی رسد آیی چو چنگ اندر خروش

حقایقی که در قالب شعر و افسانه و داستان بیان شده، این روزها موضوع داغ مباحث علمی در مجامع پزشکی و روانشناسی است. به دنبال بهبود معجزه آسای «نورمن کازین» از مرگ حتمی بوسیله خنده مفرط، کنفرانس ها و سمینارهای متعددی در مورد فواید «شوخ طبعی و خنده» در سراسر آمریکا تشکیل داده اند و کتابهای متعددی در این زمینه منتشر ساخته اند. در بسیاری از بیمارستان ها برای بیماران برنامه های کمدی پخش می کنند تا روحیه آنها شاد و قوی بشود و زودتر بهبود یابند. شیرین کاری های حاجی فیروز، مسخره بازی های دلقک های سیرک، لطیفه گویی و شوخ طبعی کمدین های خرد و کلان، وجود تاریخی «ابلهان دربار» طنز نویسی نویسندگان، جوک گویی، مزه پرانی های افراد عادی در مجالس و محافل دوستانه، همیشه محبوب القلوب بوده و نشانه این است که زندگی نه تنها شوخی بردار هست، بلکه به زندگی از دریچه شوخی و طنز نگریستن یکی از موهبات خدادادی است که انسان را از حیوان متمایز می سازد.

در گفتار این ماه، بحث خودمان را به بررسی جنبه های فیزیکی، روانی، و عرفانی «خنده و مزاح» اختصاص می دهیم. در این «گفتارهای خودمانی» همواره از شیرینکاریهای ملانصرالدین برای روشن تر نمودن مطالب استفاده می کنیم و بنابراین با توجه به دینی که نسبت به ملانصرالدین داریم ، شایسته است که او را سرلوحه بحث مان قرار دهیم. راستی آیا «ملا» وجود خارجی داشت یا اینکه ساخته و پرداخته ذهن افراد مختلف است؟ برخی می گویند که «ملا» سمبل یکی از عناصر روانی در وجود یک یک ما است. بعضی هم معتقدند که واقعاً «ملا» وجود خارجی داشته و از اوان کودکی آنچنان همشاگردی های خودش را با داستان و لطیفه سرگرم می کرده که از کار مدرسه عقب می ماندند. بالاخره یکی از معلم های او که از دستش به تنگ آمده بود، اینطور او را نفرین کرد:

«از حالا تا ابد، هر قدر هم که دانا و خردمند بشوی، مردم همیشه بتو خواهند خندید!»

البته ملانصرالدین کسی نبود که به این آسانی ها قافیه را ببازد و موفق شد دانش و بینش عمیقی را در پس خنده ارائه بدهد. برای مثال یکی از جملات ورد زبان ملا این بود: «اگر من بتوانم بدون مردن از این زندگی جان سالم بدر ببرم، واقعاً شاهکار کرده ام!» او شاهکار کرد و در هزارها لطیفه و قصه برای همیشه جاودان ماند.

ملانصرالدین قادر بود با شوخ طبعی مخصوص به خودش حتی از شدت بدترین مصائب زندگی بکاهد. باز هم برای مثال حکایت کرده اند که وقتی دکتر معالج همسر ملا، با تاثر و تاسف فراوان به او اعلام کرد که زنش بیشتر از سه روز دیگر زنده نخواهد ماند، ملا دکتر را دلداری داد و گفت: «ایرادی ندارد آقای دکتر، ما که چهل سال از دست این خانم زجر کشیدیم، سه روز دیگه هم روش!»

«ملا» بقدری در میان جهانیان (حتی در غرب) محبوبیت داشته و دارد که ایرانی ها، ترکها، یونانی ها، روسها و بعضی از اقوام دیگر او را از ملیت خودشان می دانند. در ترکیه هنوز که هنوز است، همه ساله فستیوال مخصوص برای بزرگداشت ملانصرالدین برپا می شود. رمز موفقیت ملانصرالدین که به او لقب «ابله مطلق» داده بودند، در این بود که در قالب گفتار و کردار ابلهانه خود، حماقت های کلی مخصوص نسل بنی آدم را منعکس می کرده است، گفته اند که «ملا» در حقیقت عارف بزرگی بوده که مفاهیم عرفانی را در لباس طنز و شوخی بیان می کرده است. هنوز هم در مکاتب عرفانی از لطیفه های «ملا» به عنوان تمرینات درونی استفاده می شود. اما برای اکثر اشخاص داستان های «ملا» انحصاراً مایه وجد و خنده است. بی شک باز هم از او یاد خواهیم کرد.

و اما بپردازیم به نظریه های روانشناسان و دیگر علمای انسان شناسی در قبال شوخی و طنز. همانطور که قبلاً اشاره شد، قابلیت «به خود خندیدن» و «خود و دیگران را خندانیدن»، خصوصیتی است انسانی که در حیوانات (و به اعتقاد بعضی ها فرشتگان) وجود ندارد. بدیهی است که مانند سایر خصوصیات انسانی، شوخی و طنز می تواند در راه خیر و در راه شر بکار گرفته شود. وقتی هدف تحقیر و توهین

به گروه های ملی و نژادی است، این نوع استفاده از شوخی و طنز که از عقده های روانی خصوصیت های اجتماعی سرچشمه می گیردو نه تنها مفید نیست ، بلکه تشدید حالات سمی روحی و اختلافات گروهی می شود.

یکی از تئوریهای روانشناسی اظهار می دارد که پایه و اساس شوخی و طنز، امیال سرکوفته جنسی و یا احساسات نهفته عاطفی ما آدمها می باشند. مثلاً در فرهنگ هایی که غریزه جنسی بشریت را پلید دانسته اند، جوکهای مبتذل جنسی فراوان پرداخته می شود. همچنین در گروه هایی که ابراز احساسات خشم آگین و منفی بطور علنی میان افراد مردود و قدغن است، لطیفه های بسیاری در مورد «مادر زن» و «مادر شوهر» و غیره و غیره موجود است. یکی دیگر از دلایل بوجود آمدن شوخی و طنز، «اختناق سیاسی» می باشد (روزنامه «توفیق» در ایران خودمان، یادتان هست؟) کاهش میزان ترس و وحشت نیز یکی دیگر از عناصر مهم روانی در شوخی و طنز می باشد. برای مثال در جنگ اخیر خاورمیانه به هنگامی که موشکهای صدام در میان ساکنین اسرائیل وحشت و ترس ایجاد کرده بودند. جوکهای فراوان در این باب ساخته شدند. یکی از آنها این بود: «چرا موشکهای صدام آنطور که باید و شاید، به «تل آویو نمی تواند صدمه برساند؟» جواب: «برای اینکه جای پارک گیر نمی آورند!»

از طرف دیگر طنز نویسان خبره و خلاق همانند «مارک تواین» و «آرت بوخوالد» و «عزیز نسین» از این خصوصیت انسانی در راه شناساندن عیوب فردی و اجتماعی بهره برداری می کردند.

«مارک تواین» بذله گو عقیده داشت که: «رک و پوست کنده سخن گفتن و حقیقت گو بودن، کار خیلی خطرناکی است، مگر این که آدم، احمق هم باشد! و اما خشک و جدی بودن، تنها پناه آدم های سطحی است.»

و حالا می پردازیم به این که عرفا در مورد فواید و یا مضرات «شوخ طبعی» چه گفته اند. از نقطه نظر عرفان بطور کلی اگر انسان از شوخی و خنده مفرط فقط و فقط به منظور فرار از روبرو شدن با نفس خود و یا برای ابراز خصومت استفاده کند، راه خطا رفته است. اما عارفان همواره شوخ طبعی متوازن را یکی از کیفیت های روحی بسیار مفید برای رهروان طریق آزادی شناخته اند و حتی بعنوان تاکید اینطور اظهار داشته اند که: «کافر شوخ طبع به از عابد خشن!» در عرفان هند آمده است که «خداوند جهان را برای بازی و سرگرمی Lila آفرید. و این ما انسانها هستیم که همه چیز را بیش از حد جدی می گیریم و هزار بدبختی برای خود و دیگران می تراشیم.»

عارفان صوفی مسلک بجای مجادله و بحث بیجا با آنان که گوش شنوا نداشتند به شوخی و طنز پناه می بردند. حکایت کرده اند که یک فرد جاه طلب و ماجراجو روزی به سراغ صوفی عصر رفت و با گستاخی از او خواست که معنای زندگی را در چند کلمه برای او خلاصه کند. عارف به او اعلام داشت: «زندگی یک رودخانه خروشان است که به اقیانوس هستی می پیوندد.» مردک خودنما شروع به اعتراض و سفسطه بازی کرد. صوفی با خونسردی از او معذرت خواست و گفت: «حق با جنابعالی است. از دست و پا زدن های شما مشهود است که زندگی شما یک باتلاق کشنده ای بیش نیست!»

بله دوستان، از قرار معلوم قدم برداشتن در طریق معرفت و خودشناسی و رسیدن به عوالم والای عرفانی کاری مشکل و پر خطر است، و بهمین خاطر شوخ طبعی برای آنان که در راه آزادی درون و یافتن گوهر وجود تن به ناهمواریها و دشواریهای فراوان می دهند حقیقتاً یک نعمت است.

بقول شاعر گرانمایه «علیرضا شجاعپور» :

«زندگی آری بجز تکرار نیست
جز سر منصورها بر دار نیست
تا تو فریاد اناالحق می زنی
نقش آزادی به بیرق می زنی
زندگی آری به دارت می زند
در نهان و آشکارت می زند»

شاید هیچ قومی مانند قوم یهود به ارزش شوخی طبعی در رویاروئی با زشتی ها و پلیدیهای زندگی واقف نبوده باشد و شاید این یکی از دلایل اصلی استقامت و پایداری معجزه آسای این قوم بوده باشد. بیجهت نیست که اکثریت کمدین ها و طنز نویس های معروف جهان یهودی بوده اند. اخیراً کتابهای ارزنده ای در مورد شوخ طبعی یهودیان به چاپ رسیده است که مطالعهٔ آنها خالی از لطف نیست.

دلتان شاد و لبتان خندان



نقل از مجله هارپر ـ آمار تا مارچ ۱۹۹۲

تعداد دفعاتی که کاندیداتی غیر از «جری براون» در مورد بحران S&L. در بحثهای انتخاباتی صحبت کرده	-۰-
تعداد دفعاتی که یکی از کاندیداها در مورد بی خانمانها صحبت کرده	-۲-
تعداد تخمینی آمریکائیهائی که توسط بانک مراحل غصب خانه شان بخاطر قسط در سال ۱۹۹۱ شروع شده	۴۸۸۸۰۰
شانس اینکه یک سفید پوست آمریکائی با درآمد سالی ۲۸،۰۰۰ درخواست وامش رد شود	۱ در ۴/۳
شانس اینکه یک سیاه پوست آمریکائی با درآمد بیش از ۴۲،۰۰۰ دلار در سال درخواست وامش رد شود	۱ در ۴/۷
تعداد نشریه های جدید که پس از سقوط «چائوشسکو» در رومانی چاپ و پخش می شوند	۱،۰۰۰
حداقل قیمت عضویت در کانتری کلاب جدید مسکو	$ ۳۰،۰۰۰
میزان آب مصرفی سرانه توسط اسرائیلیهای ساکن کرانه غربی به فلسطینیهای همان منطقه	۷ به ۱
تغییر درصد، بین ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱، در تعداد جنایات بر علیه عربهای آمریکائی	+ ۲۰۵
در صد کسانی که از تلفنهای قابل حمل و نقل استفاده می کنند و عقیده دارند که این تلفنها رابطه ازدواجی آنان را بهتر کرده	۵۴ درصد
شانس اینکه یک آمریکائی مجرد عاشق باشد	۱ به ۲
متوسط سن کسی که برای اولین بار مادر می شود در سال ۱۹۴۰	۲۳/۲
متوسط سن برای امروز	۲۳/۷
شانس اینکه بچه ای که با پدر و مادر اصلی خودش زندگی می کند در یک کلاس مدرسه رفوزه شود	۱ به ۹
شانس اینکه بچه ای که با مادرش و بدون پدر زندگی می کند در یک کلاس مدرسه رفوزه شود	۱ به ۴
مقدار پولی که لس آنجلس برای خرید یک سیستم انگشت نگاری خرج کرده که متقلبین دریافت کننده نفقه اجتماعی را بگیرد.	$۲۲۸۲۷۴۰
تعداد کسانی را که تا بحال توانسته اند گیر بیاندازند	۱۱ نفر
شانس دستگیر شدن کسی که جنایتی مرتکب شده در سال ۱۹۷۰	۴ به ۵
همین شانس در این روزها	۲ به ۳
در صد آمریکائیهائی که فکر می کنند ماشینهای آمریکائی که روز جمعه ساخته می شوند، بیشتر دچار خرابی مکانیکی می شوند	۴۰ درصد

ترجمهٔ: رویا فاخری

منبع: کنگره جهانی یهود

نقش یهودیان در تحولات جهان

آمریکای شمالی

بایکوت نمودن اسرائیل

وزارت تجارت آمریکا، کمپانی سازنده سیم آلفا در نیوجرسی را به پرداخت ۲۰۰۰ دلار جریمه بخاطر تخطی از مقررات ضد بایکوت آمریکا برای تجارت با «دوبی» محکوم نمود.

این وزارتخانه همچنین کمپانی سازنده کفشهای معروف آمریکائی « L.A. Gear» را به ۴۶ فقره تخلف از مواد صادراتی آمریکا برای بدست آوردن بازار کویت توسط موافقت نمودن با بایکوت بر علیه اسرائیل محکوم کرده است.

پل سازی

بر اساس نوشته های کتاب جدیدالانتشاری بنام «سپر و نیزه» داستان صنایع نظامی اسرائیلی توسط «یوسف اوران»، کشور اسرائیل در جریان جنگ خلیج فارس پلهائی را توسط هواپیما به عربستان سعودی حمل نمود که نیروهای آمریکائی بتوانند از کانال رد شده و از موانع ضد تانک در جنوب کویت عبور نمایند.

این پلها در حیفا ساخته شده و توسط هواپیماهای نیروی هوایی آمریکا بنام «گالاکسی» حمل شده اند.

سخنرانی هیتلر

یک دانش آموز دبستانی در شهر «تاوزند اوک» کالیفرنیا که یونیفورم خاکی پوشیده - آرم ضد یهود به بازویش بسته و سبیل مصنوعی گذاشته بوده در یک مسابقه سخنرانی که در آن گفته بود که به هیتلر توسط یهودیان بدرفتاری شده، برنده گردید.



پس از شکایات والدین یهودی مدرسه، اداره مدارس ناحیه خط مشی خود را تغییر داد و توافق نمود که تنها در مورد شخصیتهای تاریخی که اثرات مثبتی در جامعه و تاریخ داشته اند می توان سخنرانی نمود.

کاشر نظامی

محققیق غذایی ارتش در جستجوی جیره ای غذایی «چند مذهبی» برای تغذیه ۱۲۵۰۰۰ سرباز دائمی و ذخیره یهودی، مسلمان، هندو و گیاهخوار در میان ۲،۵ میلیون نفر افراد نیروهای متحده ارتش آمریکا می باشند.

این غذاها یا دارای مواد گیاهی خواهد بود و در صورت وجود گوشت، کاملاً بر اساس قوانین ذبح کاشر تهیه می گردند.

اروپای شرقی

یهودیان روسی

آکادمی علوم طبیعی مسکو با امضای قراردادی با پرفسوری در دانشگاه بن گوریون اسرائیل می خواهند یک دائرة المعارف در مورد تاریخ یهودیان روسی نوشته گردد.

به محققین این دایرة المعارف قول داده شده که بتوانند به آرشیوهای کمیاب و همچنین اطلاعات .K.G.B (پلیس مخفی روسیه) دسترسی داشته باشند.

کمک کشاورزی

بر اساس گزارشی در «تاس» (آژانس خبری روسیه)، دولت روسیه ۱۱۵ میلیون روبل اعتبار به ایالت و مزارع تعاونی جمهوری «بیروبیدژان» (معروف به جمهوری خودمختار یهودی) اختصاص داده است.

این جمهوری توسط «استالین» بعنوان سرزمینی که جایگزین اسرائیل باشد، درست شد.

رابطه جدید

«انجمن دوستی و ارتباط با کشورهای خارجی» بلو راشا (روسیه سفید) با تشکیل کنفرانسی در «مینسک» خواستار تشکیل سازمانی از این نوع با اسرائیل گردید.

خاطره نازیها

پاسپورت نازیها

واکنش واتیکان در مقابل این اتهام که با کمک به کمیته صلیب سرخ جهانی برای جنایتکاران جنگ نازیها در زمان جنگ جهانی دوم پاسپورت تهیه نموده و در اختیارشان گذارده اند تا فرار نمایند، بسیار سرد بوده است.

این اتهامات توسط گزارشی که در سال ۱۹۴۷ توسط .C.I.C (سازمانی که بعداً به .C.I.A شد) در مورد نقش واتیکان در مورد توصیه افرادی به صلیب سرخ برای دادن پاسپورت، تهیه شده، فاش گردیده است.

دروغ قدیمی

در پی اعتراض شدید مردم، رئیس بخش دولتی مهندسین اطریش، «والتر لوفتل»، بخاطر آنکه گفته بود قتل دسته جمعی یهودیان در کوره های گاز غیر ممکن بوده است، مجبور به استعفا شد.

لوفتل، در یک کتاب پنج فصلی بنام «هالاکاست - اعتقادات و واقعیات» نوشته بود که قتل دسته جمعی با گاز سمی Zyklon-B نمی توانسته اتفاق بیافتد.

اسرائیل

گذشت

۵۰ درصد نسل جدید «سفارادیک» آماده هستند که سطح زندگی خود را پائین بیاورند تا به این وسیله بتوان یهودیان مهاجر بیشتری را از روسیه به اسرائیل انتقال داد.

بر اساس همین گزارش که توسط دکتر «ماجد الحاج» در بخش جامعه شناسی دانشگاه حیفا تهیه شده است، درصد بیشتری از جوانان اشکنازی حاضر به پائین آوردن سطح زندگی خود برای جذب هر چه بیشتر این مهاجرین می باشند.

امید به نفت

حفاری در «سدوم آموک» (سدوم عمیق) چاه نزدیک دریای مرگ توسط متخصصان، بالاترین امکان دستیابی به نفت

را بوجود آورده است.

این حفاری که ۱۷ میلیون دلار خرج در بردارد مدت ۸ ماه طول خواهد کشید تا انجام گردد و امید میرود که به عمق ۵/۷ کیلومتری برسد تا پس از عبور از لایه های نمک به زیر این دریا رسیده و نفت استخراج نماید.

کارت پستالهائی از لبه

یک چمدان ظاهراً بی ارزش و دور افتاده که گنجینه ای با ارزش از نامه ها، کارت پستالها و اشعار «شموئل اگنون» برنده فقید جایزه ادبیات نوبل اسرائیلی می باشد بتازگی پیدا شده است.

در میان این آثار قطعه شعری است بنام «از راه دور» که «اگنون» به زن و فرزندانش از آلمان فرستاده است.

شیر گیری

یک گروه متخصص اسرائیلی در حال برنامه ریزی یک سرمایه گذاری ۷۵۰،۰۰۰ دلاری برای بالا بردن سطح صنایع لبنیاتی کشور لهستان می باشند.

هدف این پروژه مقدماتی یاددادن کشاورزان لبنیاتی لهستان برای پرورش بهتر و دست یابی به ۳ برابر شیر دهی از حد معمول می باشد.

اروپا

پیوند نه

جورج کاری، اسقف اعظم کانتر بوری از پیوستن به سازمان انگلیکی که با هدف تغییر مذهب دادن یهودیان به مسیحیت فعالیت می کند، خودداری نمود و به این وسیله یک سنت ۱۵۰ ساله را شکست.

وی در نامه ای که به کلیساهای وابسته در میان یهودیان فرستاده (این رهبر ۷۰ میلیون پیرو دارد) گفته است که هر نوع فعالیت در این مورد بناهای اعتماد فیمابین ما و یهودیان را از بین خواهد برد.

دو باره نویسی

گزارشی که توسط تلویزیون BBC در مورد زندگی نخست وزیر فقید اسرائیل «مناخیم بگین» تهیه شده بود، در پی اعتراض سفارت اسرائیل، تغییر داده شد.

گزارش اولیه که قرار بود در سطح جهانی پخش گردد، بیشتر تاکید خود را بر مسئولیت «بگین» در جنگ بر علیه اعلامیه انگلستان در مورد فلسطین گذاشته بود. گزارش جدید، تاکید بیشتری بر تلاشهای وی برای دستیابی به صلح با مصر را دارد.

اصول

«لرد گودمن» انگلیسی از مقام مشاور قانونی «دوشس یورک» بخاطر آنکه نامبرده در یک سفر خصوصی به فلوریدا به کلوب «Everglade» رفته (که ورود یهودیان و سیاهان در آن ممنوع می باشد)، استعفا نمود.

«لرد گودمن» که از این واقعه بسیار ناراحت شده گفته است که مجبور بوده به یک اصول مقدماتی اعتقاد خود را نشان دهد.

علوم و تکنولوژی

چسب طبی

یک نوع جدید چسب بیولوژیکی در بیمارستان «شبا» در «تل هشومر» اسرائیل اختراع شده است. این چسب که بصورت اسپری می باشد در محل زخم باعث جلوگیری از خونریزی و سرعت انعقاد خون می گردد. این چسب مریضها را قادر می نماید که چندین بار زیر عمل جراحی رفته بدون آنکه خطر خونریزی داشته باشند.

پشتیبان

یک وسیله کوچک الکتریکی در «کیبوتص گینوسار» اسرائیل برای معالجه «Scolio Sis» (بیماری که به افراد بالغ در زمان سالهای رشد سریع آنان حمله می کند)، ساخته شده است.

حسن اصلی این وسیله این است که در زمان خواب شبانه استفاده می شود. وسایل موجود بایستی توسط بیمار به مدت ۲۰ ساعت در روز پوشیده شود یا بیمار به یک جراحی پیچیده پشت دست بزند.

جهت یابی

یک افسر قبلی ارتش در کمپانی شخصی خود بنام «کمپانی آزیموت» تواسته است قطب نمایی غیر مغناطیسی بسازد.

امتیاز این قطب نما که برای امور نظامی و یا خصوصی بکار خواهد رفت این است که در کنار آهن بودن اثری بر آن ندارد.

خاویار کاشر

«دلی تک» که شعبه ای از «انستیتوی تکنولوژی تخنیون» می باشد توانسته است شبه خاویار کاشری را تهیه و وارد بازار نماید.

این محصول جدید که شکل و مزه خاویار سیاه بحر خزر روسی را دارد دارای ۱۱۸ کالری در هر ۱۰۰ گرم می باشد.

بو کش

دو محقق از انستیتوی وایزمن در شهر «رای ووت» اسرائیل موفق به اختراع یک وسیله حس یاب بیونیکی شده اند که قادر است مواد مخدر و منفجره را بو بکشد و بدین وسیله از وجود سگها استفاده نگردد.

این وسیله همچنین قادر خواهد بود برای آزمایشهای طبی و آرایشی بکار رفته و از این راه آزمایش روی حیوانات را غیر لازم نماید.

ذوب

ماده ای اخیراً در کناره دریای مرگ به بازار راه یافته که از ترکیب نمک و پتاسیم ساخته شده است. این ماده ذوب کننده یخ که توسط انستیتوی تکنولوژی سوئد آزمایش شده می تواند حتی در سرمای ۳۰ درجه زیر صفر فارنهایت کار کند.

ترجمه و تنظیم از: پریوش

خانم در مورد سلامتی قلب خود چه می دانید؟

بسیاری از مردم حتی برخی از پزشکان تصور می کنند حمله های قلبی فقط برای آقایان اتفاق می افتد.



ناراحتی ها و امراض قلبی اولین عامل مرگ و میر بین خانمهای آمریکایی است. سال گذشته تقریباً نیمی از ۵۰۰،۰۰۰ افرادی که در اثر حملهٔ قلبی در آمریکا از بین رفتند خانمها بودند. در نتیجه یک خانم به همان میزان که نگران سلامتی قلب شوهر، پسر، برادر و پدر خود می باشد، باید مواظب و مراقب سلامتی قلب خود نیز باشد.

متاسفانه این تصور غلط که بیماری، حمله و سکتهٔ قلبی، فقط مخصوص مردها است باعث شده، خانم ها توجه و مراقبت از قلب خود را جدی نگیرند.

نتایج دو بررسی و تحقیق منتشر شده توسط New-England-Journal Of Medicine در ماه جولای سال گذشته نشان می دهد که این اشتباه باعث مرگ و میر فراوان در میان بانوان است. نتیجه یکی از این بررسی ها نشان می دهد که وقتی مردی با علایم یک ناراحتی قلبی به دکتر مراجعه می کند، در مورد آزمایشها و تستهای قلبی بمراتب جدی تر مورد بررسی قرار می گیرد تا یک زن.

نتیجه بررسی دوم نشان می دهد که وقتی خانمی یک حمله قلبی در گذشته داشته تمایل کمتری به معالجات و پیگیری بعدی نشان می دهد تا یک مرد، در نتیجه تقریباً ۴۰ درصد این خانمها طی یکسال بعد از اولین حمله قلبی متاسفانه از بین می روند، در حالیکه این رقم در بین آقایان ۳۱ درصد است.

بد نیست به نکات ذیل توجه بکنیم:

۱ـ اولین حملهٔ قلبی بین خانمها معمولاً حدود سن ۶۰ سالگی رخ می دهد، در حالیکه در مردها حدود سن ۵۰ سالگی است.

۲ـ حمله های قلبی بین بانوان سیاه پوست ۲۲ درصد بیشتر از خانم های سفید پوست است.

۳ـ اغلب آزمایشها و تستهای قلبی بر طبق عوامل و فاکتورهای ساخته شده مخصوص مردها است.

۴ـ کم کردن سطح کلسترول در بدن یک مرد بمقدار قابل توجه از بروز حمله قلبی می کاهد، در حالیکه در زن این چنین نیست (موثر است ولی بمیزان موجود در مردها نیست).

۵ـ هُرمونهای زنانه در خانم ها رل مهمی در جلوگیری از حمله های قلبی برای آنها دارد.

در سال ۱۹۸۸ دکتر Charles-Hennekens متوجه شد که خوردن یک روز در میان قرص آسپرین در مردها ۴۴ درصد از خطر حمله قلبی می کاهد، این تحقیق و بررسی در حال حاضر روی خانمها انجام می گیرد که متوجه شوند آیا نتیجه یکی است یا خیر.

علائم یک قلب بیمار:

علائم بیماری قلب در خانمها و آقایان یکی است.

معمولاً جمع شدن تدریجی چربی در دیوارهٔ داخلی رگهای قلبی راه عبور و جریان خون را باریک می کند، لذا قلب مجبور است که بیشتر کار کند، در اثر گرفتن لختهٔ خون در این راه باریک، انسداد کامل ایجاد شده، قلب یا از کار می افتد و یا دچار ضربان نامنظم می شود.

دردهای قفسه سینه همیشه نشان حملهٔ قلبی نیستند ولی همیشه باید جدی گرفته شوند. زمانی که شما به پزشک مراجعه می کنید و دردی در سینه احساس می کنید سعی کنید : نوع، میزان و محل درد را تشریح کنید. زمان وقوع درد و رابطهٔ آن با استراحت یا ورزش؛ می تواند پزشک را به تشخیص صحیح راهنمائی بکند.

چه افرادی در خطر ابتلا به بیماری قلبی هستند؟

۱ـ ۷۳ درصد حملات قلبی در خانمها در حدود سن ۶۵ سالگی رخ می دهد.

۲ـ خانمهایی که در طی روز یک پاکت سیگار می کشند، احتمال ابتلا به حمله قلبی را در خود دوبرابر می کنند.

۳ـ خانمهایی که کلسترول در خون آنها بالای ۲۰۰ می لیگرم است.

۴ـ بالا بودن فشار خون در خانمها.

۵ـ بانوان مبتلا به دیابت (بیماری قند) در خطر بیشتری برای ابتلا به این ناراحتی هستند.

۶ـ خانمهای فربه و چاق.

از قلب خود مراقبت کنید:

طبق نظریهٔ American-Heart-Association خانمهای بین سنین ۲۰ تا ۴۰ باید اولین .E.K.G یا نوار قلبی خود را داشته باشند تا حدود سن ۶۰ سالگی با داشتن .E.K.G بعدی بتوان مقایسه ای بعمل آورد.

برای سلامتی بیشتر قلب باید این نکات را رعایت نمود:

۱ـ حداقل ۲۰ دقیقه سه روز در هفته ورزش کنید.

۲ـ از رژیم غذایی کم چربی و حاوی سبزیها، میوه ها و حبوبات پیروی کنید.

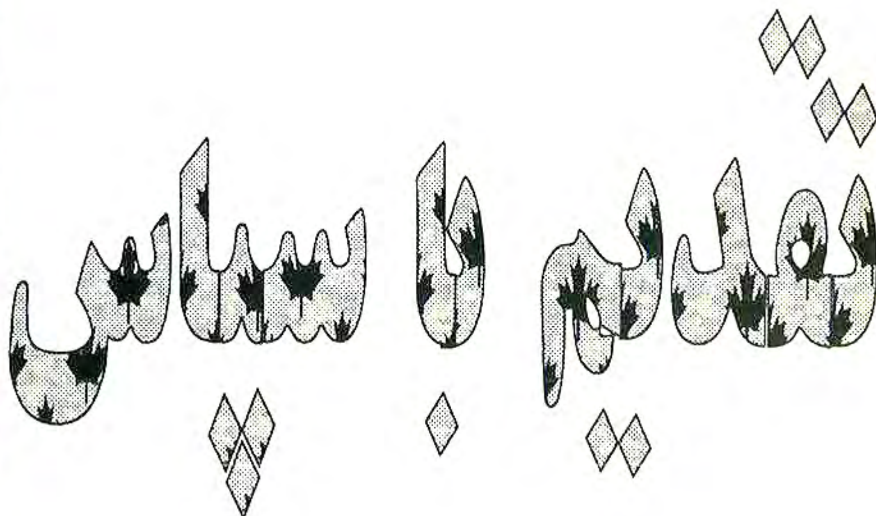
۳ـ سیگار نکشید.

۴ـ اگر در خانواده شما سابقهٔ بیماری و حمله قلبی وجود دارد از مصرف قرصهای ضد بارداری اجتناب کنید.

۵ـ چک آپ و مراجعه منظم سالیانه به دکتر را فراموش نکنید.



نوشته: پریوش



با سر زدن به آشپزخانه میشد فهمید که میهمانی به آخر و پایان میرسید. این گوشه و آن گوشه ظروف و لیوانهای نیمه پر و خالی و غذاهای دست خورده، پوست میوه روی زمین و آشغالهای انباشته. صاحب میهمانی خسته با لبخندی حاکی از رضایت تعریف و تمجیدها را می پذیرفت و خداحافظی ها را پاسخ می گفت.

سریع و چابک ظرفها را بزیر آب می گرفت تا کف مایع طرفشویی و کثافت از تن آنها شسته شود. بین بزیر آب گرفتن دو قطعه ظرف دستها را می خاراند و انگشتان را خم و راست میکرد.

به او گفتم: چرا دستکش بدست نمیکنی؟

گفت به آن هم حساسیت دارم.

قامت کوچکی داشت و چشمهای کوچک، بلوز و دامن قهوه ای رنگی پوشیده بود، کم بها ولی تمیز و اطو زده شده و یک جفت کفش پلاستیکی سفید بپا داشت. گاه ضمن ایستادن، یک پا را خم میکرد و فقط روی آن پای دیگر می ایستاد، درست مانند مرغ و یا پرنده ای که بیک پای خود استراحت میدهد.

گفتم پادرد داری؟

گفت: واریس دارم

و با دست کمی پائین دامنش را بالا زد. پشت هر دو پا رگهای ریز و درشت روی هم خوابیده بودند، بنفش و کبود، گویی هر آن قرار بود پاره شوند و خونریزی کنند. شیر آب را بست و روی خود را برگرداند، کلافه به نظر میرسید.

بعد از یک سکوت کوتاه بمن گفت: قرص مسکن دارید؟ می بخشید، سرم خیلی درد میکند، به محض اینکه یکی دو ساعت میایستم سردرد مي گیرم، باید مواظب معده ام هم باشم، در نتیجه اکثر اوقات سردرد را تحمل میکنم و قرص هم نمیخورم، گاهی دیگر خیلی شدید می شود...

گفتم: چند ساعت و چند روز در هفته کار میکنی؟

گفت: هر روز، ساعتش دیگر بستگی دارد، شما را بخدا سفارش مرا به دوستانتان بکنید، برای شستن ظروف، نظافت، نگهداری بچه، از این قبیل کارها، برای رفت و آمد هم معمولا از اتوبوس استفاده میکنم.

گفتم: چند سال است که کار میکنی؟

گفت: نمیدانم چند سال، شاید چون سواد ندارم حساب سالها را نمیتوانم نگه بدارم. میگویند آدم بیسودا عرضه انجام هیچ کار درست و حسابی را ندارد. بهر حال بچه ها کوچک بودند که پدرشان رفت و من از همان سالهای دور شروع کردم به کار کردن، البته (کار) که چه عرض کنم...

گفتم: پدرشان کجا رفت؟

نیم نگاهی بمن افکند و گفت: یک مرد وقتی زن و سه

بچه را فراموش کند به کجا میرود؟ پیش یک زن دیگر...

و دیگر لازم نبود سئوالی بکنم. پشت سر هم بحرف زدن ادامه داد مثل اینکه دنیا را به او داده باشند، دلش میخواست من هم بدانم...

- چهارده ساله بودم که شوهر کردم، در شهر و مملکت ما دختر را زود شوهر میدهند. اکثر مردم وضع مالی خوبی ندارند، خوب یک نان خور هم کمتر بهتر. پدر و مادرم هشت بچه داشتند، من و خواهر ها باید هر چه زودتر میرفتیم دنبال زندگی خودمان. شاید چهارده سالگی کمی هم دیر بود.

آن مرد به نظر آدم خوبی میامد، راننده ماشین باری بود، پس میتوانست نان دهنده خوبی باشد. خیلی از دختر ها بمن حسادت میکردند، باور کنید حتی خواهر کوچکتر خودم. من هم راضی بودم و شکرگذار خدای خودم. پشت سر هم سه بچه زائیدم، دو تا دختر و یک پسر. آخری پسر بود که از همه کوچکتر است. بچه ها کوچک بودند، نمیدانم شاید مثلا یکساله، سه ساله و پنج ساله که شوهرم رفت، شاید هم آه و حسرت خوری دیگران زندگی من را بهم زد. به شما گفتم که کجا رفت... خیلی گریه کردم، خیلی فکر کردم که چه نقص و ایرادی در من بود که او را وادار برفتن کرد. هر چه بیشتر فکر کردم، کمتر چیزی دستگیرم شد، ولی از حق نباید گذشت، آن زن دیگر خیلی خوشگل بود. خوب دیگر خوشگلی و زشتی که دست خودم نبود، رنگ پوست و قد و قامت و چشم داده خداوند است. مهم این بود که غذا را خوب می پختم، بچه ها را تمیز نگهداری میکردم، مطیع بودم و کم خرج. ولی میدانید یک زن همسایه یک روز بمن گفت: چون کم خرج بودی قدر تو را ندانست. شما فکر می کنید که او درست میگفت؟ من که سر در نمیاورم. هفته گذشته همین زن همسایه دلش بحال من و بچه ها سوخت و ما را با خودش بگردش برد. روز یکشنبه بود. رفتیم بیرون شهر، جایی که گل بود و چمن و سبزه، خلاصه خیلی قشنگ بود. این زن همسایه گلهای خود رو را نشانم داد و گفت: ببین چقدر زیبا هستند ولی آدمها توجهی به اینها ندارند، چون بی خرج هستند، خودشان از دل زمین بیرون میایند و با یک نم باران زندگی میکنند و راضی هستند، ولی همین آدمها وقتی پول میدهند و یک گل زینتی می خرند، حتی اگر یک صدم این گلهای خودرو هم قشنگی نداشته باشند، قدرش را می دانند، هزار جور به او میرسند، مواظبش هستند، ولی هزار هزار این گلهای خودرو زیر پای این و آن له میشوند....

خلاصه شاید هم درست میگوید، بهر حال بگذریم، شوهرم رفت و به پشت سرش هم نگاه نکرد. من گیج ماندم و سه بچه کوچک بی پناه که اوایل خیلی بی تابی میکردند، عادت کرده بودند که پدرشان را هر شب ببینند و گاهی با او اینطرف و آنطرف بروند. حالا دیگر بی پدر شده بودند. بهر حال خودم را جمع و جور کردم و بخاطر بچه ها روی آوردم به کار کردن. طاقت ندارم گریه و یا دلتنگی یکی از این بچه ها را ببینم، دلم میخواهد درس بخوانند، اگر روزی خواستند کار کنند، بتوانند کار درست و حسابی داشته باشند، مثل من اینطور بی کفایت نباشند، عقل و شعور داشته باشند، شاید اگر من هم عقل و شعور و کفایت داشتم او از ما جدا نمی شد و براه خودش نمی رفت. حالا دیگر بچه ها بزرگ هستند، خیلی وقت است که کار میکنم، چند سال است، نمیدانم، ولی خیلی وقت است. خوب دیگر، ضعیف شده ام، زود خسته می شوم، با این حساسیت و پشت شانه و کمر درد و این واریس. مدتی پیش دکتری بمن گفت باید دست از کار بکشی و بیایی پایت را عمل کنی، چه حرفها... پولی که صرف عمل پای من شود، میتواند هزار درد از بچه های من را درمان کند. باید این بچه ها بجایی برسند و دیگر از من گذشته است بفکر خودم باشم و عمل پا.

چندین سال پیش که هنوز جوان بودم، یکی دو تا خواستگار برایم پیدا شد، خنده دار، نمی دانم شاید چون می دیدند که پولی در میاورم، چشمشان به طمع آمده بود، این و آن را واسطه کردند، من را از آینده ترساندند که تنها می مانم، که بچه ها بالاخره به سر راه خود می روند، زن می گیرند، شوهر می کنند، سختی روزگار نمی گذارد که بفکر مادر پیر و از کار افتاده خود باشند، آنموقع من باید همدردی داشته باشم، کسی که با من باشد، خلاصه از این قبیل حرفها که بلکه من تکانی بخورم و گول بخورم ولی حاضر نشدم که که سایه یک غریبه سر بچه هایم باشد، از کجا معلوم که غریبه ما را به امان خدا نمی گذاشت، پدر خودشان، پدر بچه ها را می گویم دلش برحم نیامد...

بله ما آدمها گاهی از حیوان هم بدتر هستیم، گنجشکها را می بینید، چطور بچه هایشان را بزیر بال و پر خودشان می

گیرند، به آنها پرواز کردن را یاد می دهند و تا کامل نشوند رهایشان نمی کنند، باور کنید گاهی ما از یک گنجشک هم کمتر هستیم.

خوب البته آسان هم نبود، بزرگ کردن سه بچه را می گویم. دست تنها. در این دوره و زمانه که بدبختی و فلاکت کم نیست، همیشه سعی می کردم وقتی که بچه ها بخواب میروند، گریه کنم، دلم نمی خواست بچه ها غصه بخورن، گاهی آرزو میکردم یک مرض لاعلاج بگیرم و بمیرم، آخر در مذهب ما خودکشی حرام است و مجازات آخرت دارد، ولی زود پشیمان می شدم و به درگاه خداوند التماس میکردم که خدا مرا به بخشد و خداوند بارها و بارها مرا بخشید، اینرا از آن جا فهمیدم که بمن کمک کرد تا پیش بروم...

ظرفها را ضمن حرف زدن کامل شسته و خشک کرده بود، هنوز هم دستها را می خاراند و انگشتها را خم و راست میکند.

من در او جاری بودن یک زندگی نیمه تمام را می دیدم، یک زندگی توام با سختی، مشکلات، درد کمر و رگهایی که هر لحظه ممکن بود پاره شوند.

گذشت، و فداکاری و بخود نیاندیشیدن ، تمامی پیکرش را رنگ زده بود. زلال جاری عطوفت مادری در نگاه و کلام او شنونده و بیننده ای را جذب میکرد. با او خداحافظی کردم، از خانه بیرون آمدم، لابلای آدمها، به دنبال (مثل) او بودم، دنبال زندگیهای نیمه، سرشار از سختی، بخاطر و زنده بودن، دوام آوردن، خم نشدن، دنبال مادرهای کلفت و مادرهای رختشوی که گرد و خاک یک عمر مرارت را با لبخند فرزند موفق خود بیاد فراموشی می سپردند. دنبال مادرهایی که تمامی روح و تن آنها مملو از کفایت و شعور بود. ولی برای خود قدر و منزلتی قائل نبودند. و به دنبال آدمهایی موفقی که دست خسته مادر را در دست داشتند . شاید با سپاس بر آن بوسه می زدند.

A New Beginning

محدودیت سنی ۴۹ - ۲۵ سال



بهاری دیگر...

وابسته به بنیاد بین المللی یهود "سیامک"

برنامه های گذشته

شب آشنایی

شب شعر

صبحانه_نهار

پیک نیک

سخنرانی و میز گرد

این برنامه ها هر دوهفته یکبار روزهای
یکشنبه انجام می گردد

مشتاقانه چشم براه پیشنهادات و راهنمائی های شما هستیم.

لطفا برای اطلاعات بیشتر و پیوستن به این گروه با دفتر سازمان تماس بگیرید.

۸۱۸-۵۰۳-۱۲۷۰

باز چی می خوای؟



محمود گلابدره یی :

۱۹۴۰ در شمیران متولد شده. ۱۹۶۱ اولین کارش در ایران و ۱۹۹۱ آخرینش را در سوئد منتشر کرده است. سگ کوره پز، پرکاه، آباذر نجار، بادیه، لحظه ها، اسماعیل اسماعیل، حسین آهنی، پرستو، صحرای سرد، سرنوشت بچه ی شمرون، آهوی کوهی و دال

سحر می ری سرکار. با ستاره میری با ستاره می آی. شبم می آی می خوابی. دلت می گیره، سواره میری. حالش باشه، پیاده میای. کلافه باشی، میری کوه. گرسنه باشی، میری کوی. تشنه باشی میری بار. شکر خدا همیشه هم که آفتابه. بارونم بیاد میری بیرون، تو بارون، حال می کنی با بارون. می بینی که گرمه هوا همیشه. لطیف و خرم و سبز، هست هر کنجی یه بیشه. از در و دیوار و سقف آسمون گرما و گل می باره. نه برفی و نه سوزی و نه سرمای سوزنده یی. نه زوزه گرگ گرسنه، نه جیغ جغد جوجه لاشخور خورده، نه بوی مرده، نه بوی کافور و مرده شویخونه، نه کوزه پز خونه و بوی کارخونه. نه یه دیوار واژگون، ونه حتایه کاروانسرای کهنه و یه خرابخونهٔ متروک پر از مور و مار و موش، که بری توش. نگران چی هستی دیگه؟ چی می خوای دیگه؟ گیرت چیه و کیه و کجاست؟

هفت هزار سال عبادتم کرده بودی اگه، سبکبار و بی گناهم مرده بودی اگه، توی بهشت خدا هم رفته بودی، اگه، خیال می کنی غیر از این بود؟ برو دوباره ده بار دیگه دستورات دینای خدا رو لا به لای خطبه ها و خطوط آیه های آسمونی بخون باز. بغل هم تو سرت بچین باز. بشین باز. کلاهت رو قاضی کن باز. ببین بهشت خدا با مائده های بهشتیش چی داره که اینجا نداره. دیگه چی می خوای؟

خوشی زیر دلت رو زده؟ باز می خوای اینجارم مث اونجا خراب کنی؟ یا می خوای اینجام که هستی همه ش تو فکر و خیال جاهایی باشی که بودی؟ یا شایدم دلت می خواد باز برگردی همونجاها. چی دلت می خواد؟ باز چی می خوای؟

نکنه باز به سرت بزنه، دیوونه بشی باز، ببینی حالا که اونجاهارو نمی تونی بیاری اینجا، اینجارو مث اونجا کنی؟

توقع هم حدی داره. چی دیگه می خوای از خوان این دنیا؟ رستم اگه از هفت خوان گذشت، تو از هفت هزار خوان چم و خم دار گذشتی. چی کشیدی تا خودت رو تا اینجا کشیدی. روح و روانتم از درد، مث کوله های کولت و کاسه ی زانوت و پاشنه ی پات، پینه بسته. دیگه دردی حس نمی کنی. کرخ شده. چه صبری، چه تحملی، غم و غصه، حس و حدیث، حرف یومیه. کار روزانه. چه کاری! چه حسی!

غم غریبی، غم غربت، پرپر زدن تو دام پریشونی و پشیمونی، درد بی عشقی، اندوه دوری از اصل خویشتن خویش، درد بی درمان درماندگی، بند بلای بلاتکلیفی، مصیبت چه کنم چه کنم، دلواپسی تا ببینیم چی می شه، افسوس چی بود و چی شد، افتادن تو دام حرف و حدیثی که جوان که بودی، بوسیده بودی گذاشته بودی کنار کاسهٔ سرت. حالا اینجا باز، مث زنبور تو کاسهٔ سرت صدا می کنه. چه صبری. دمت گرم با این صبرت. می بینی چه بار سنگینی یه این بار بردباری. بابا ای والله. غمت کم!

دوران به دوران، دور تا دور این خوان، هر جا بوده، رفتی و نشستی و برخاستی. از کاتمندیا بگیر تا کالیفرنیا، که حالا توشی. هر کاری که منع بوده، کردی. هر حرفی که گفتنش گناه کبیره بوده، گفتی. هر کتابی که نوشتنش قلم غول می خواسته، نوشتی. حالا هم که اینجا نشستی، که صبر پیش بگیری و دنبالهٔ کار خویش بگیری. دیگه چی می خوای؟ چه حرفی داری؟ چه کاری داری؟ چه جای نرفته ای داری که بری؟ خدا تو شکر. برو تو خودت خدا تو شکر. کجا می خوای بری؟

آخر خط تمام خط ها، و پایان قصهٔ همهٔ قصه ها، و اوج قلهٔ تمام قله ها، اینجاست. تو هم که هر جوری بوده، صحیح و سالم، کشیدی خودت رو بالا تا اینجا. دیگه چی می خوای؟

نکنه عقلت رو از دست بدی خربشی باز. نکنه باز خوشی زیر دلت رو بزنه، حرف و حدیث و حکایت و شکایت و شکفه و شماتت و شکل و شمایل اونجارو بیاری اینجا، اینجارم مث اونجا کنی. بعد باز نتونی تحمل کنی، صبرت سر بیاد، از اینجا هم فرار کنی باز! چی کار می خوای کنی؟ حواست هست؟

جوشی نشی باز مث جدت. وسوسه نشی باز مث مامان و بابات دست به کاری بزنی که سال پشت سال توی پشیمونی و پریشونیش، پرپر بزنی. حالیت هست؟ نکنه باز به سرت بزنه به میوهایی که گل درختاست، خیال کنی بی صاحابه، دست بزنی! یا عوض نگاه کردن به برگ بلند بابا آدما و نشستن زیر سایه ش، از بیخ و بن بکنی بگیری عقب و جلوت! نکنه کاری رو که گفتن نکن بکنی باز. نکنه یادت بره کی بودی و کی هستی! حواست هست؟ عقل تو سرت هست، یا می خوای حیوون بشی باز؟

سرت رو بگی بالا کوهای کالیفرنیا و تپه های تو پلی تو پلی ی پر از شیره ی گلش رو بنگر. مشامتم باز کن عطر گلاش رو ببو. زبونتم در آر مزه ی بارونش رو بچش. پوست سر انگشت و کف دستتم بکش رو پشت پوست تنهٔ درختاش. گوشتم در بست بذار در اختیار موجاش. ببین چطور عقل میاد تو سرت از شیش جهت جست می زنی، پر می زنی.

نکنه مث کبک حریص بشی کله ت رو فرو کنی یا غافل بشی قه قه و قاه قاه بزنی. شاکر باش. شکر از شکر شیرین تره. شاکر شاه شهرای دنیا باشی، شهد کندوهای کوهیش، تلخی تنت رو که شیرین می کنه، هیچ، بوی گلای تپه هاش روح و روانت رو به سو و سمت خدا رها می کند. دیگه چی می خوای؟

می چشی که، می بینی که، می شنفی که، هم از آسمون موج پشت موج می باره، هم از دریا. دوست داشته باشی با یکی باشی، نگاهش کنی، دوست داشته باشد باهات باشد اگه، هر چی بگی، هر جا بگی، تا قله ی قافم بری، باهاته. چی می خوای دیگه از خودت و از خدا؟

می بینی که هر چی خدا خواسته و تو نخواستی همون شده. باز بال بال بزن. باز خلاف جهت جاری موج دست و پا بزن. باز سرو سینه و پیشونیت رو بزن به پیشونیت. باز بزن خودت رو زخمی و ذلیل و ضایع کن. ول کن دیگه. بسه دیگه. چی می خوای دیگه؟

هر چی داشتی گفتی. مگه نگفتی، به خر گفتن خیانته، هم به خودت هم به خره؟ مگه نگفتی به خر بگی خره می ره حرف تو رو خرکی به خری مثل خود خرش می گه، هم حرف تو رو ضایع می کنه هم خود خرش رو ذلیل؟ مگه نگفتی، بعد تو باید هم جواب خریت خره رو بدی هم تو ئون خریت خوات رو که به خر گفتی؟ بعدم هم باری که باید خره می برد ببری، هم بار خره رو که با گفتن حرف تو سقط شده و بال گردنت شده ببری. بسه دیگه خریت. بسه دیگه حماقت. چقدر دیگه جهالت. چی می خوای دیگه؟

بست نشده؟ بسکی بار بردی، بسکی کشیدی، بست نشده؟ چی دیگه می خوای بکشی؟ هر چه کشیدنی بود کشیدی. از جا بگیر تا جا، از داد بگیر تا دار، از یار بگیر تا غار، از هوا بگیر تا هوار، از هو بگیر تا ها، از دم بگیر تا دم، از سر بگیر تا ثم، از آه بگیر تا ناه، چی دیگه می خوای بکشی؟ بسه دیگه، چی می خوای دیگه؟

همه چی که داری، حافظ رو داری حفظش کن. نه حرفت رو حروم کن نه جونت رو حلال. نه خونت رو کثیف کن. نه حالت رو ملال سرت رو بگیر بالا، با سر خوشی، سالم و سلامت، صدای سرخوشی حافظ رو صدا بده. هم خودت رو خلاص کن، هم همه رو به سفره ی سرخوشی سلامتش صدا کن. می بینی که. صخره ها و سنگاشم هنر خرند. چه برسه به سبزه ها و سرواش. چه برسه به شاه و شازده و شازده فراش. می بینی که، بسکی گلها و غنچه هاش بخشنده اند، تا بلبلاش دهن باز می کنند، به جای ناز، پراشو نو باز می کنند. بهار هنوز نیومده، بسکی گلاش مهربونند، سر سیاه زمستونم، واست بلبلا، پر کاشونو باز می کنند. می بینی که. می شنفی که. باز چی می خواهی؟

حیف نیست چنین جایی از خارا و خلا و خرابگی. هم خودت رو خراب کنی، وهم خیالت رو سراب کنی، هم خرا و خلا و خارای اینجارو خجالت بدی، مجبور بشن، لنگ بندازن، بگن، بابا ای والله. خاری و خلی و خریت هم حدی داره. غمت کم. دمت گرم. چی کشیدی تو تا کشیدی خودت رو تا اینجا. خسته نباشی. خوش آمدی بفرما.

دیگه چی می خوای؟

نوشتهٔ : لی لا

مادرانه

جادهٔ کنارهٔ اقیانوس را بطرف سانتا باربارا با سرعت طی می کنم. دلم بطرز غریبی گرفته است حتی زیبائیهای این جادهٔ کناره هم دیگر شوق گذشته را در من برنمی انگیزد. هوا ابری و گرفته است. کم کم باران هم شروع می شود، دلم می خواهد هر چه زودتر این راه تمام شود.

پریشب پس از گفتگوی تلفنی با پسرم پیمان که دانشجوی دانشگاه «یو سی »، سانتا باربارا است احساس کردم مسئله ای آزارش می دهد. یک گفتگوی خشک بدون هیچگونه جوک و شوخی، جوابها همه کوتاه. آنقدر دلخور بود که حتی سراغ سگ محبوبش را هم نگرفت و بعد هم یک خداحافظی سرد و خشک.

تمام طول شب سعی کردم خودم را قانع کنم که اتفاقی نیافتاده، فکر کردم شاید زیادی درگیر درس و امتحان است، شاید سرماخوردگی دارد یا دلش برای خانواده و دوستان تنگ شده است . شاید، شاید و شاید...

هر چه بیشتر فکر کردم بیشتر و بیشتر نگران شدم، دیروز و دیشب چندین بار تلفن کردم تا مطمئن شوم که حالش خوبست اما موفق به پیدا کردن او نشدم و نگرانی دیوانه ام کرد. این بود که تصمیم گرفتم به دیدنش بروم...

پیچ رادیو را می پیچانم و سعی می کنم کسالت رانندگی، در باران و راه دور را با یک موزیک ملایم در کنم. خانم گوینده اخبار با شتاب و هیجان زده تصادفی را که در یکی از شاهراهها اتفاق افتاده گزارش می کند و اطلاعات ناقصی را با سرعت تحویل می دهد که «راننده ماشین اول که نوجوانی است، در اولین لحظه کشته شده است و دو تن سرنشین دیگر مجروح شده و به بیمارستان منتقل شده اند. ظاهراً راننده کامیون که مسئول این تصادف است تحت تاثیر مواد مخدر بوده است.»

خبر بعدی هم دست کمی از اولی ندارد. «جسد کودک شش ساله ای را که چندین روز پیش در راه مدرسه ربوده شده بود در خرابه ای پیدا کرده اند و کودک مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و بطرز وحشیانه ای بقتل رسیده است.»...

احساس می کنم حالم بهم می خورد. دلهرهٔ عجیبی سراپای وجودم را در خود می گیرد. حتی صدای ضربان قلبم را در گوشهایم می شنوم. گویندهٔ خبر از کشتار در یک خانه پیران سخن می گوید و اینکه قاتل، زنان پیر را قبل از کشتن تا سر حد مرگ کتک می زده و...

شیشه ماشین را پائین می کشم. نسیم، قطرات ریز و

خنک باران را بصورتم می زند و با اشکهایم مخلوط می کند. پیچ رادیو را می چرخانم. از خود می پرسم چگونه می شود این اخبار را شنید و نگران نشد. بی تفاوت ماند و به دلواپسی مجال خودنمائی نداد. سعی می کنم با ایمان به جنگ نگرانیم بروم اما حتی ایمان قوی هم کمکی نمی کند. در دل از خود می پرسم آیا برایش چه اتفاقی افتاده است...

از دور ساختمان های دانشگاه خودنمایی می کند با عجله خود را مقابل خوابگاه دانشجویان می رسانم و از پله ها بالا می روم. می دانم از شدت نگرانی رفتار طبیعی ندارم چرا که چند دانشجوئی که در راهروها در آمد و رفت هستند با تعجب نگاهم می کنند. ولی من اهمیت نمی دهم فقط می خواهم بدانم پیمان زنده و سالم است.

فکر می کنم بمحض اینکه مطمئن شوم حالش خوبست از او خواهم خواست که با من به لوس آنجلس برگردد و جملاتی را در این زمینه حاضر می کنم که تحویلش بدهم.

و وقتی از دور او را می بینم که با کوله پشتی کتابهایش بطرف اطاقش می آید از شادی در پوستم نمی گنجم. بطرفش می روم او را در آغوش می گیرم سرم را روی شانه اش می گذارم و گریه را سر می دهم. دیگر برایم مهم نیست که امروز صورتش را نتراشیده است یا یک شلوار جین پاره پاره به پا کرده است. مهم این است که او زنده است.



اطلاعات در باره کلسترول، مصرف چربی ها، تخم مرغ، و رابطه همه اینها با بیماریهای قلبی و انواع سرطان، که منابع مختلف جهانی میرسند و از طریق رادیوها، تلویزیونها، مطبوعات عمومی و تخصصی برای مردم منتشر می شوند، آنچنان پراکنده اند که مردم را دچار سرگردانی کرده اند. چند تن از خوانندگان این بلاتکلیفی را به هیئت تحریری مجله منعکس کرده اند، و تقریباً در تمام نشریات تخصصی بهداشتی و پزشکی که در آمریکا منتشر و از اروپا میرسند نیز سئوالهایی از سوی مردم چاپ میشود که نشان از وجود همین پریشانی و اغتشاش اطلاعاتی دارد. در آن کشورها، به جهت وجود نشریات مختلف تخصصی و عمومی و وسعت تبلیغات و جریان اطلاعات، این مشکل بیشتر است. به همین جهت، به عنوان یک منبع مورد اعتماد کتاب سال بهداشت و پزشکی انسیکلوپدیا یا بریتانیکا انتخاب و بخشی از آن ترجمه و تخلیص شد تا خوانندگان دریابند که اطلاعاتی که به آنان می رسد بر اساس چه مطالعاتی است.

مردم می پرسند: با اطلاعات متضاد و مختلف چه باید کرد؟

بــخــوریـــم یـــا نـــخـــوریـــم

اولین موضوعی که در مقابل حساسیت مردم در برابر اطلاعات مختلف باید با آنها درمیان گذاشت ارزش بنیادی اطلاعات است. به معنی دیگر، مردم باید بدانند وقتی به آنها گفته میشود که فلان نوع از مواد غذایی فلان بیماری مهیب را باعث می شود، این خبر بر اساس چه مطالعاتی صورت گرفته است. دانستن همین موضوع خود کمک بزرگی به آن ها می کند. گاه اطلاعات خام و استنتاج نشده ای ناگهان بزرگ میشوند و علاوه بر آنکه الگوهای غذایی را تغییر می دهند، در دراز مدت عوارضی نیز در پی می آورند. چندی پیش در آمریکا موجی براه افتاد بر علیه میوه ها و سبزی های خام، مبنی براینکه این مواد بر اثر استفاده از سم ها و ضد آفات ها خطرناکند. با وجود آنکه بعضی از مجلات و روزنامه های بهداشتی دستورالعمل هایی برای شستن و پوست کندن میوه ها و سبزی ها بچاپ رساندند، باز آمار نشان داد که مصرف



کنسروها بالا گرفت و مردم به قوطی ها روی آوردند، در حالیکه چنین نشریه نیز «بیماری قوطی» باز شکافته شده بود، به مردم خبر می دادند که بین مصرف بیش از اندازه کنسروها و انواع مواد غذایی در قوطی و ابتلا به بیماری های مختلف رابطه مستقیمی وجود دارد.

در حقیقت میتوان گفت که هر دو خبر از قطعیت کامل برخوردار نبوده اند. تنها اطلاعات آماری موجود این است که چندین نوع بیماری در بین کشورهای مصرف کننده قوطی ها (مانند آمریکا و ژاپن) بیشتر است.

باقی مانده مواد ضد آفت بر روی میوه ها و سبزی های زیان آور و خطرناک است، البته بعضی از مجلات و روزنامه ها دستورهایی برای پوست کندن و شستن میوه ها و سبزی ها منتشر می کنند، ولی نکته مهم آن است که معلوم نیست مواد غذایی کنسرو شده تا چه اندازه از این مواد پاک شده باشند، مخصوصاً که در بعضی از

کشورها روش یا مقررات خاصی برای زدودن مواد ضد آفت وجود ندارد و احتمال آلوده بودن آن ها زیاد است.

در سال ۱۹۸۸ دولت آمریکا اعلام کرد که میزان مسمومیت از باکتری سالمونلا(۱) رو به ازدیاد است، تخم مرغ و سایر ماکیان بزرگترین منبع باکتری های مزبور شناخته شده و به مصرف کنندگان توصیه شده است که مخصوصا تخم مرغ ها را قبل از مصرف بپزند. وزارت کشاورزی آمریکا گزارش می دهد که ۷۳ درصد لاشه مرغ ها و جوجه مرغ ها به وسیله سالمونلا آلوده شده اند. در اروپا این نسبت به مراتب بیشتر است. آلمانی ها موفق به ساخت داروهای پیشگیری از سالمونلا شده اند. دیگران هم با جدیت مشغول تحقیق اند تا بهترین روش را برای از بین بردن این باکتری از محیط مرغ داری ها پیدا کنند. از طرف دیگر بررسی هایی برای پاک کردن مرغ های آلوده بازار از این باکتری در دست اجرا است.

طبق یکی از گزارشهای متخصصین در مرکز کنترل و بررسی های بیماری های آمریکا که در سال ۱۹۸۸ انجام گرفت، ثابت شد که مصرف تخم مرغ خام عفونت های سالمونلایی ایجاد میکنند. با آزمایش تخم مرغ های درشت در بازار این مسئله به ثبوت رسید و اعلام شد که از مصرف تخم مرغ های خام یا نیم پز یا مواد غذایی ای که با تخم مرغ خام تهیه می شوند، مثل مایونز و میوه خودداری شود.



پرهیز و سرطان

بحث های زیادی است در باره این که آیا پرهیز مصرف بعضی مواد و خطر ابتلا به سرطان رابطه ای هست یا نه. بیشترین شواهد مربوط به سرطان انسانی بر اساس مقایسهٔ فرهنگ های ملل و طوایف مختلف و مواد غذایی آنها است. مثلاً در میان مردم کشورهایی که مقدار زیادی چربی مصرف میکنند سرطان پستان و سرطان کولون (روده بزرگ) خیلی بیشتر از مردمی است که چربی کم مصرف می کنند، در واقع مصرف چربی و ازدیاد سرطان در یک مسیر قرار دارند. از طرف دیگر در میان گروهی از مردم که چربی زیاد هم مصرف می کنند میزان ابتلا به سرطان خیلی کم تر است (مانند اسکیموها)؛ در تحقیقی ۸۰ هزار پرستار بیمارستان ها را از لحاظ میزان چربی مصرفی مورد مطالعه قرار دادند. این پرستارها را از نظر چربی مصرفی به چهار گروه تقسیم کردند، بعد از چهار سال مشاهده شد که از لحاظ ابتلا به سرطان پستان هیچ اختلافی بین دسته ای که چربی زیاد مصرف می کردند با دسته ایکه حداقل مصرف چربی را داشتند وجود ندارد.

از این بررسی ها هم نتایج قاطعی بدست نیامد، بطوریکه بین اهالی اسکاندیناوی با مصرف ۴۷ درصد کالری چربی روزانه و مردم پولینزی، که پانزده درصد کالری چربی مصرف می کنند، چندان اختلافی نبود. همانطور که این طیف در میان ۸۰ هزار پرستار آمریکایی هم خیلی محدود و بین ۸۹ تا ۷۷ درصد بود. بنا براین تحقیقات بود که موسسهٔ ملی سرطان ادامهٔ تحقیق در این مورد را متوقف کرد.

مطالعه ای که ۱۰۰ میلیون دلار برای آن هزینه شد تا رابطهٔ مصرفی چربی با سرطان پستان را ثابت کند، بی فایده ماند و قطع شد.

در بررسی دیگری دو گروه از زن ها مورد مطالعه قرار گرفتند. یک گروه روزانه حدود ۳۸ درصد کالری چربی مصرف می کرد، و گروه دیگر حدود ۲۰ درصد. این دو گروه مدت ده سال تحت نظر و بررسی قرار گرفتند. ۱۰۰ میلیون دلار هزینهٔ این تحقیق شد، اما همهٔ نتیجه گیریها بی فایده به نظر رسید

و تصمیم به متوقف کردن آن گرفته شد. فقط اعلام شد که نبایستی روزانه بیش از ۲۵ تا ۳۰ درصد کالری چربی مصرف کرد، بخصوص که در حال حاضر اکثر مردم به واسطهٔ ضررهای دیگر چربی ها، مانند ازدیاد کلسترول و خطر بیماری های قلبی، در مصرف کمتر چربی ها دقت و توجه کافی مبذول میدارند. بنابراین مصرف چربی در پنج سال تا ده سال آینده به حداقل تقلیل می یابد و از این طریق آسانتر می توان به رابطهٔ بین مصرف چربی و سرطان پی برد.

مسئله دیگر بررسی تئوری مصرف الکل و رابطهٔ آن با سرطان پستان است. نتیجهٔ مطالعاتی که در سال ۱۹۸۷ منتشر شد نشان داد زنهایی که در هفته دو تا سه بار الکل مصرف می کنند ۰/۵ مرتبه بیشتر از زنهایی که در هفته یکبار یا کمتر الکل مصرف می کنند مبتلا به سرطان پستان می شوند. با وجود این تحقیق، هنوز رابطهٔ مستقیم بین مصرف الکل و سرطان پستان مسلم نشده است.

موضوع دیگری که در سال قبل مورد توجه قرار گرفت این بود که سرطان پستان در زنها و سرطان کولون و حتی سایر انواع سرطانها در افراد قدبلند بیشتر از افراد کوتاه قد است، بطوریکه افراد بلند و بزرگ اندام دو برابر افراد کوچک و کوچک اندام مبتلا به سرطان می شوند. البته علت این مسئله هنوز روشن نشده است. توضیح سادهٔ آن چنین است که چون افراد بزرگتر و بلند قد سلولهای بیشتری در بدن دارند، طبعاً توسعه و تولید سلولهای سرطانی در آنها بیشتر خواهد بود.

چاقی

مدتها قبل عقیده بر این بود که چاقی پدیده ای ارثی است. ولی بررسیهای جدید در حیوانات و بعضی اندازه گیریها در انسان ثابت کرده است که بیشتر چاقی ها مربوط به نوع خاص متابولیسم (سوخت و ساز) بدن افرادی است که کارآیی زیادی دارند. این نتیجه گیری بر اساس آزمایشهایی است که در یک محفظه به اندازهٔ یک اتاق انجام گرفته. در دیوارهای این محفظه صدها ترموکوپل (دستگاه کوچکی که حرارت را به انرژی قابل اندازه گیری تبدیل می کند) کار گذارده اند، شخص مورد آزمایش را داخل این اتاق قرار می دهند، مقدار غذای مصرفی و فعالیت او را به سهولت کنترل می کنند، انرژی از دست دادهٔ او را اندازه گیری می کنند، و به این ترتیب تصویر دقیقی از تعادل بین انرژی مصرفی و سوخت و ساز او بدست می آورند. این بررسی کالری سنجی به محقق امکان می دهد تا اطلاعات کاملی در مورد مصرف انرژی افراد چاق در مدت نسبتاً طولانی بدست آورد. همچنین میزان سوخت و ساز افرادی را که بطور ارثی استعداد چاقی دارند اندازه می گیرد و قبل از چاق شدن و بعد از چاق شدن آنها را بررسی می کند.

در حال حاضر دو نوع بررسی با این دستگاه کالری سنج در آمریکا و اروپا و بعضی کشورهای آسیایی وجود دارد که اصول کار همهٔ آنها یکی است. یکی از بررسی هایی که در سال گذشته با این وسیله انجام گرفت در مورد سرخ پوستان «پیما» در شهر فونیکس ایالت آریزونا بود. زیرا این سرخ پوستان استعداد فوق العاده زیاد برای چاق شدن دارند، بطوریکه بیش از نصف قبیلهٔ «پیما» به چاقی زیاد، دیابت، و یا هر دو مبتلایند. بررسی جوانان بالغ عادی در مقایسه با جوانان چاق نشان داد که کالری چربی مصرفی آنها بیش از نصف گروه دیگر است. بعلاوه کالری ای که در موقع استراحت یا ورزش از دست می دهند نسبت به گروه دیگر خیلی کمتر است.

بررسی های دیگری با همین وسیله در انگلستان انجام گرفت و همین نتایج به دست آمد، یعنی اطفالی که تاریخچه خانوادگی آنها حاکی از چاقی ارثی بود ولی چاق نبودند، و اطفالی که چاقی ارثی ندارند در اتاق کالری سنجی مورد آزمایش قرار گرفتند. در نتیجه معلوم شد که اطفال مبتلا به چاقی ارثی بیش از سایرین کالری مصرف کرده اند و در چند سال آتی بیش از سایرین چاق می شوند. بطور خلاصه با ادامهٔ تحقیقات در این زمینه معلوم شد که افراد چاق و پروزن خیلی بیش از افراد لاغر کالری موثر می گیرند و انرژی کمتری مصرف می کنند. در نتیجه اضافه کالری آنها تبدیل به چربی می شود. ولی همین افراد در صورت کمبود مواد غذایی یا قحطی، مواد کالری زای کمتری مصرف می کنند و کارآیی بیشتر و سلامتی بیشتری خواهند داشت. پس اگر کالری زیاد در دسترس باشد، چاقی در افراد مستعد بیشتر می شود. فرآیند دقیق سوخت و ساز مستلزم مصرف انرژی و

کارآیی بیشتر است، که جزئیات آن، بخصوص در چاقی های ارثی، هنوز کاملاً شناخته نشده است.



تبلیغات و آگهی ها

در کشورهای صنعتی تبلیغات یا آگهی هایی که روی برچسب های مواد غذایی می آیند می بایستی از طرف دستگاههای دولتی مورد کنترل قرار گیرند. مثلاً وقتی یک شرکت اعلان می کند که فلان محصول ما مانع بروز سرطان یا حملهٔ قلبی می شود و یا فاقد فلان مادهٔ چربی یا کلسترول است، بایستی قبلاً تائید یکی از سازمانهای بهداشتی را بدست آورده باشد. بهترین روش تائید قبلی این نوع نظرها توسط سازمانها و موسسات رسمی مثل انجمن ملی سرطان یا انجمن بررسی بیماریهای قلبی و غیره است. همین موسسات می بایستی میزان مصرف کالری روزانهٔ هر یک از مواد را نیز مشخص و کارخانه های تولید مواد غذایی را به ذکر نام و میزان آن مواد بر روی محصول ملزم کنند. سال پیش در آمریکا شرکتی که کارش تولید خیار و کلم و هویج و سایر محصولات سبزی های شور بود بر روی محصول خود نوشته بود: «محصولات ما نه چربی دارد نه کلسترول، بلکه برعکس مقدار زیادی الیاف گیاهی دارد که مصرف آن در غذای ظهر و شب بهترین وسیله برای جلوگیری از ابتلا به سرطان و بیماریهای قلبی است.

این نوع آگهی ها صحیح و اصولی نیستند، زیرا مواد مزبور اولاً مقدار زیادی نمک (کلرورسدیم) دارند، که بجای خود برای سلامتی مضر است، ثانیاً ارزش غذایی چندانی ندارند، ثالثاً میوهٔ شور نمی تواند جزو سیستم پرهیز غذایی قرار گیرد. لازم است سازمانها و موسسات بهداشتی مقررات خاصی را برای کنترل مواد غذایی و آگهی های مربوطه وضع و راهنمایی های مناسبی برای عموم منتشر کنند.

مصرف گوشت ماهی

اکنون مسلم شده است که مصرف مواد چربی زیاد، مخصوصاً کلسترول، یکی از عوامل موثر ازدیاد خطر ابتلا به بیماری تنگی و انسداد سرخرگهای قلب (شریان های اکلیلی) است. گروهی از محققین دانمارکی کشف کرده اند که اسکیموهایی که در (گروئنلند) زندگی می کنند با وجود مصرف چربی فوق العاده زیاد، خیلی بندرت دچار بیماری سرخرگهای قلبی می شوند. پس از بررسی دقیق موضوع، متوجه شدند که مصرف زیاد گوشت ماهی اثر حفاظتی برای این اسکیموها دارد، تحقیقات مشابهی در همین زمینه در کشور ژاپن بعمل آمد و منتج به تائید نظریهٔ مزبور شد. تحقیقات ژاپنی ها به این ترتیب بود که دو دهکده را، یکی در کنار دریا، در نظر گرفتند که ساکنین آن روزانه مقدار زیادی گوشت ماهی مصرف می کردند، و در دهکدهٔ دیگر در داخل سرزمین بود و خیلی کم گوشت ماهی مصرف می کردند. با این که مقدار چربی مصرفی هر دو دهکده تقریباً مساوی بود، معهذا ابتلای به بیماری قلبی در دهکدهٔ کنار دریا به علت مصرف زیاد گوشت ماهی خیلی کمتر از دهکدهٔ داخل سرزمین بود.

تا حدی قطعی شده است که نباید بیش از ۳۰ در صد کالری از چربی تامین شود.

دانشمندان هلند نیز در این مورد تحقیق کردند و حتی جلوتر رفتند و ثابت کردند که مصرف متعادل گوشت ماهی هفته ای دو تا سه بار از ابتلا به بیماری گرفتگی شرایین قلبی جلوگیری می کند. به دلیل این یافته ها بود که اکثر دانشمندان جهان درصدد کشف ماده یا موادی برآمدند که در گوشت ماهی وجود دارد و انسان را از بروز حمله های قلبی محافظت می کند. تحقیقات نشان داد که چربی یا روغن

ماهی مادهٔ مخصوصی به نام «امگا ۳» (اسید چربی) دارد که ساخت مولکولی مشخصی دارد و مانع لخته شدن خون و بروز بیماری عروق قلبی می شود. این ماده در روغن و چربی ماهی بیش از سایر منابع غذایی است، ولی هنوز مکانیسم تاثیر آن در جلوگیری از بروز بیماری های قلبی کاملاً مشخص نشده است. به هر حال در یکی ، دوسال گذشته بحثهای زیادی در این مورد انجام گرفته و معلوم شده است که اسید «امگا ۳» خاصیت انعقاد خود در یکی از سرخرگهای اکلیلی قلب است، ظاهراً اسید «امگا ۳» خاصیت انعقاد خون را تقلیل می دهد و چون مهمترین عامل حمله های قلبی معمولاً عبارت از تشکیل ترومبوز یا انعقاد خون را تقلیل می دهد. بنابراین، می شود گفت که مصرف زیاد ماهی و کار اسید «امگا۳» شبیه اثر آسپرین است، ولی این هم مسلم شده که مصرف گوشت ماهی کلسترول خون را کاهش می دهد و این خود خطر ابتلا به بیماری را کم می کند.

خلاصه نتیجهٔ این تحقیقات آن شد که تعدادی از شرکتها کپسول های روغن ماهی تهیه کردند تا در اختیار کسانی قرار دهند که می خواهند خود را در برابر بیماری کورونری ارتری محافظت کنند. البته در حال حاضر مسلم نیست که این کپسول ها بتوانند همان اثر هفته ای دو تا سه بار مصرف ماهی را داشته باشند. بنابراین، هنوز مسلم نیست که این کپسول و روغن ماهی همان فواید خود ماهی را داشته باشد، دانشمندان پزشکی هنوز تائید نکرده اند که مصرف روغن ماهی یا کپسول به تنهائی همان نتیجهٔ حفاظتی خود ماهی را بدهد. به علاوه میزان موثر مصرف روغن ماهی یا کپسول آن هم هنوز دقیقاً مشخص نشده است. با این ترتیب، اکثر متخصصین تغذیه مصرف خود ماهی را بیش از روغن ماهی برای حفظ انسان از ابتلا به حمله های قلبی توصیه می کنند. البته برای کسانی که بدلایل گوناگون نمی توانند گوشت ماهی بخورند کپسول روغن ماهی می تواند مفید باشد، ولی بطور کلی در مورد زمان و میزان مصرف باید منتظر نتیجهٔ تحقیقات بعدی بود.



نگاهی دقیق به تاریخچه روابط ما بین یهودیان و سیاهپوستان آمریکا

«یهودی را بکشید! یهودی را بکشید!»

ترجمهٔ لادن خرمیان (توکلی)

توده جمعیت خشمگین به جلو حرکت کرده به دانشجوی «یشیوا» نزدیکتر می شوند. سه روز متوالی نزاع وحشیانه و نژادگرایانه در منطقه « Crown Heights » بروکلین منجر به قتل یک دانشجوی یشیوا به نام «Yankel Rosenbaum» شده بود. این آشوب به دنبال مرگ پسر بچه هفت سالهٔ سیاه پوستی آغاز گشته بود که بر اثر اصابت با یکی از اتومبیلهای گروه «راو لوباویچ» جان خود را از دست داده بود.



Rabbi Avraham Heschel and Dr. Martin Luther King, Jr.
at the Civil Rights March on Washington, D.C.

برای یهودیانی که در طول جنبش برای دستیابی به حقوق مدنی و آزادیهای فردی و نژادی چندین سالی در کنار سیاهپوستان جنگیده بودند فریاد جمعیت عصیانگر در « Crown Heights » فرسنگها با سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ فاصله داشت. یارانی که زمانی نه چندان دور در کنار هم ایستاده و در راه براندازی عقاید نژادپرستانه در آمریکا قدم برداشته بودند حال رو در روی هم قرار گرفته همدیگر را با دیده عدم اعتماد و حتی تنفر می نگریستند.

اتحادی که برای یهودیان امری بسیار طبیعی و در نهایت محکم به نظر می آمد رفته رفته تبدیل به یک دشمنی بسیار تلخ شده است. اتفاقات «Crown Heights » تنها یک نمونه از ارتباط بیمار و رو به زوال یهودیان و سیاهپوستان آمریکا یست که میراث سالها همکاری بین این دو گروه را در معرض خطر گذارده است.

مهاجران روس که اکثریت جمعیت یهودیان The NAACP در سالهای اول قرن بیستم در آمریکا را تشکیل می دادند اکثراً سوسیالیستهای چپی بودند که همچنان پیرو اصول و برنامه ریزیهای اروپایی بودند. بنابراین اتحاد بین آنان و اقلیتهای تحت ظلم امری بسیار طبیعی و در حقیقت نشانی از عقاید و تجاربشان به حساب می آمد.

در سال ۱۹۱۷؛ زمانی که ۳۹ سیاهپوست در جریان اغتشاشات و آشوبهای خیابانی در شهر St. Louis جان خود را از دست دادند، روزنامه یدیش زبان به نام « The Forword» این اتفاقات را به آشوبهای روسیه که بر اثر آن ۵۰ یهودی به خاک و خون کشیده شده بودند تشبیه کرد. این روزنامه در طول مقاله ای نوشته بود: « Kishinev و St. Louis هر دو یک خاک، یک مردم. فاصله بین این دو شهر نزدیک به پنج هزار مایلی است، اما با این وجود هنوز چقدر به هم نزدیک و شبیهند. »

همدردی این روزنامه یهودی با اهداف سیاهپوستان زمانی آغاز شد که در سال ۱۹۱۳ گروهی از سفید پوستان متعصب مسیحی (Ku Klux Klan) یک یهودی به نام Leo Frank را بدون محاکمه به مجازات رسانیدند. پس از این حادثه، یهودیان دریافتند که سیاهپوستان و یهودیان هر دو یک دشمن مشترک دارند. قوانین رسمی مبنی بر منع ورود یهودیان به دانشگاهها و مشاغل حرفه ای و کلاً جو ضد یهودی موجود باعث شد تا یهودیان آرام آرام متوجه شوند که سرنوشتشان بی شک متصل و مربوط به دیگر گروههایست

که آنان نیز تحت فشار تبعیض و شرایط مشابهی قرار دارند. ایمان یهودیان به برابری اجتماعی نهایتاً باعث تحکیم ارتباط و همکاری بین آنان و سیاهپوستان شد.

پشتیبانی یهودیان از « National Association For The Advancement Of Colored People » (کمیته ملی برای پیشرفت افراد غیر سفید پوست) نشانی از این اتحاد بود. همکاری «راو وایس» در آغاز کار NAACP که برابر با سال ۱۹۰۹ است شروعی برای رهبری یهودیان در این تشکیلات به شمار می آید. دو برادر یهودی به نامهای «آرتور» و «جول استپینگرم» جزو اولین موسسین و گردانندگان NAACP بودند. یهودیان نه تنها از نظر مالی این سازمان را پشتیبانی می کردند بلکه از طرق مختلف کمر همت به تاسیس چندین مدرسه مختص به سیاهپوستان در ایالتهای جنوب آمریکا بستند.

تعهد جامعه یهودی نسبت به برقراری نظام برابری حقوق مدنی برای تمامی افراد با آغاز موج فجایع حزب نازی در اروپا مستحکم تر شد. جاناتان کافمن نویسنده کتاب «اتحاد شکسته شده؛ دوران آشفتگی ما بین سیاهان و یهودیان در آمریکا» می نویسد: «به عنوان بزرگترین قربانیان قرن بیستم، یهودیان راحتتر می توانستند با دیگر قربانیان ظلم و بی عدالتی هم حسی و همانندی کنند. خاطرات ناگواری که یهودیان پس از پایان جنگ جهانی دوم با خود به دوش می کشیدند آنان را نسبت به فریاد حق طلبی دیگر اقوام بسیار حساس تر کرده بود. و زمانی که زجر و آزار سیاهپوستان آغاز گشت یهودیان آمریکایی به سرعت دریافتند که بی شک این آزار و اذیت ها زمانی نسبت به آنان نیز اعمال خواهد شد.»

حرکت در راه دستیابی به حقوق مدنی

پشتیبانی یهودیان آمریکا از حرکت سیاهان در راه بدست آوردن حقوق برابر با ناباوری و تردید از طرف سیاهان روبرو گشت. سیاهان چه در ایالتهای شمالی و یا جنوبی با یهودیان روابطی خصومت آمیز داشتند چرا که در آن زمان اکثر مالکین و کارفرمایان را یهودیان تشکیل می دادند. اما در عین حال یهودیان تنها سفید پوستانی بودند که با اهداف سیاهان همدردی کرده از آنان پشتیبانی می کردند.

جیمز بالدوین «James-Baldwin» یکی از رهبران برجسته جامعه سیاهپوستان در آن زمان، شک و تردید خود نسبت به تولد اتحاد مابین یهودیان و سیاهان را چنین ابراز می دارد «این دو گروه هرگز نمی توانند به همدیگر اعتماد کنند چرا که یهودیان مشتاقند تا از پله های نردبان ترقی و پیشرفت در جامعه آمریکا هر چه سریعتر بالا و بالاتر روند و از همانندی با اقلیتی که حتی بیش از خودشان مورد بی مهری قرار گرفته چیزی نصیبشان نخواهد شد. و اما سیاهان به قدری احساس ضعف و تزلزل می کنند که جرات اعتماد به احدی را ندارند.»

علیرغم حضور شک و تردید در جامعه سیاهپوستان، یهودیان آمریکا همچنان به حمایت خود از قیام سیاهان ادامه دادند و رفته رفته رهبران سیاهپوستان که نیازمند حمایتهای مالی و Social-Connection یهودیان بودند به این همکاری تن در دادند. دکتر مارتین لوتر کینگ (Dr. Martin Luther King Jr.) رهبر قیام سیاهپوستان در راه دستیابی به عدالت اجتماعی، بر این عقیده بود که اتحاد با سفیدپوستان به پیشرفت قیام کمک بسیار می نماید و به شهرت رسیدن «دکتر کینگ» باعث شد تا سیاهان توجه و اشتیاق بیشتری به حمایت یهودیان نشان دهند.

تا سال ۱۹۷۰، ۵۰ درصد از کل بخشش های مالی به تشکیلات سیاهان از جیب یهودیان فراهم شده است. برای مدت ۲۰ سال زمام امور مالی و قضایی سازمان NAACP را یک وکیل یهودی در دست داشت و یکی از نزدیکترین مشاوران دکتر کینگ یک شخص یهودی بود.

زمانی که تظاهرات اعتصابات دانشجویان آغاز شد جوانان یهودی نیز به این قیام پیوستند چرا که برای آنان این یک ماموریت ایدئولوژیکی به حساب می آمد. یهودیان قوانینی که سیاهان را مجبور می کرد تا در ته اتوبوس و جدا از سفید پوستان بنشینند و یا از ورود سیاهان به رستورانها و هتلها جلوگیری می کرد، ننگی بزرگ بر پیشانی آمریکا و انسانیت به شمار می آوردند. دو دانشجوی شرکت کننده در «تظاهرات آزادی» به دست عوامل سازمان (Kuklux Klan (KKK به قتل رسیدند. یهودیان بیش از نیمی از جمعیت سفیدپوستانی را تشکیل می دادند که از درهای ساخته شده برای

مجزا کردن سفیدان و سیاهان گذشته در کنار آنان نشسته و یا به صرف غذا می پرداختند.

«ربای ریچارد لوی»، گرداننده تشکیلات «هیلل» لوس آنجلس، یکی از ۱۷ ربانوتی بود که در تابستان سال ۱۹۶۴ در شهر St.Augustine به دکتر کینگ پیوست. «راو لوی» تنها دو هفته پیش از این واقعه به مقام راوی رسیده و مشغول گذراندن یک کنفرانس با حضور ربانوت بین المللی بود که پیغام دکتر «کینگ» مبنی بر درخواست کمک و همراهی سفیدان به او رسید.

جامعه یهودیان و سیاهان در شهر St.Augustine به پیشواز ربانوت رفتند. راهپیمایان یهودی می بایستی که در طول تظاهرات از جلوی صف عوامل KKK می گذشتند. «راو لوی» می گوید: «بخاطر می آورم که دست یک دختر بچه سیاه را در دست گرفته بودم و می دانستم که باید او را آرام کنم، اما خود به اندازهٔ او وحشت زده بودم» «ربای لوی» به یاد می آورد که یکی از زیباترین و الهام بخش ترین لحظات تظاهرات زمانی بود که «دکتر کینگ» در برابر جمعیت شروع به خواندن مزامیر داوود کرد.

زمانی که تعدادی از تظاهر کنندگان به داخل استخری در یکی از هتلهای مختص سفیدان پریدند همگی به عنوان تخطی و تجاوز به حریم سفیدان دستگیر شدند. «راو لوی» می گوید: شبی که او و تعدادی دیگر از حاخامیم در یک سلول مجزا گذراندند زمانی مناسب برای یک خویشتن نگری عمیق بود. وی می گوید: «در سلول زندان بحث بر سر این بود که آیا ما به عنوان یک یهودی تحمل می کنیم و یا به عنوان یک انسان؟» و «نهایتا» به این نتیجه رسیدیم که این دو خصوصیتمان را نمی توان از هم جدا کرد. ربانوت ، در جایی که بر روی زمین سلول زندان نشسته بودند، عهدنامه ای نوشته و در آن توضیح دادند که هدفشان از آمدن به شهر St. Augustine چه بوده است. آنان نوشتند «به طور کلی ما به شهر St.Augustine آمدیم چرا که نمی توانستیم تنها نظاره گر باشیم. ما نمی توانستیم شانس دستیابی به یک هدف معنوی از طرق معنوی و اخلاقی... که همانا کوششهای غیر جابرانه برای آزادیست را رد نماییم.»

طلوع قدرت نظامی سیاهان

حتی زمانی که «دکتر مارتین لوتر کینگ» رهبری اعتراضات آرام به کمک سفید پوستان و یهودیان را بر عهده داشت، عده ای از سیاهان از مداخله و غلبه سفیدپوستان ابراز نارضایتی می کردند. این عده نسبت به سفیدپوستانی که از قسمتهای شمالی ایالات متحده به قیام سیاهان در جنوب پیوسته بودند و گاه رهبری را در دست گرفته بودند شدیداً مشکوک بودند. عده ای زیادی از سیاهان بر این عقیده بودند که باید رهبری خود را از طریق آزادی مردم خود توسعه دهند. عده ای از سیاهپوستان آرزوی روزی را داشتند که سفیدپوستان تنها به عنوان سربازانی تحت فرمان رهبران سیاه و در زیر پرچم آزادی پهلو به پهلوی آنان بجنگند.

ظهور شخصیتی تندرو به نام Malcom x و اعمال قدرت سیاهپوستان در اواسط سالهای ۱۹۶۰ انحراف محسوسی بود از راه «دکتر کینگ» و روش غیر جابرانه وی. اظهارات و تحریکات رهبرانی چون Malcom x هر چه بیشتر جوانان سیاه پوست را به سوی فعالیتهای خرابکارانه سوق می داد.

تن جدید حرکت و قیام سیاهپوستان بسیاری از یهودیان را متوحش ساخت. از بسیاری از سفیدپوستانی که در سازمانها و تشکیلات سیاهپوستان مشغول به فعالیت بودند خواسته شد که کار خود را ترک نمایند و بسیاری از یهودیان احساس می کردند که فریب خورده و به آنان خیانت شده است. احساس عداوت نسبت به سفیدپوستان خیلی زود به احساس نفرت بخصوص نسبت به یهودیان بدل شد.

این دشمنی و خصومت در تابستان سال ۱۹۶۷، پس از آنکه اسرائیل در برابر حملهٔ کشورهای عرب همسایهٔ خود پایداری نشان داد، به عرش رسید. گروههای سیاه تندرو که حال عرصه سیاستهای خود را به جریانات بین المللی وسعت داده بودند، قطعنامه ای در مورد این جنگ به چاپ رسانیدند.

در تابستان سال ۱۹۶۷، یک مجلهٔ مخصوص سیاهپوستان شعری به این مضمون به چاپ رسانید.

ما شهرهایشان را به آتش می کشیم
و اما این پایان کار نیست.
ما به دیوارهای ماتم زده شان ادرار
خواهیم کرد
و زمانی که هر یهودی را که می بینیم
بکشیم

از خود بیخود شده به وجد می آییم

در پشت تمامی این خصومتهای لفظی نکات اصلی و حقیقی وجود داشتند که تدریجاً نمایان می شدند. اختلافاتی که در زیر حباب بسیار شکننده اتحاد، سالیان طولانی نادیده گرفته شده بودند با در هم شکستن سدهای رسمی و قانونی در سطح جامعه رفته رفته پدیدار می شدند. زمانی که مبارزات جهت خود را از یک حرکت در راه بر هم ریختن حصارهای قانونی به مبارزه در راه در هم شکستن حصارهای اقتصادی و اجتماعی تغییر داد، بحث رده بندیهای اقتصادی و برابری طبقاتی اهمیت بیشتری یافت.

از دیدگاه یهودیان، الحاق حقوق مدنی به سیاهپوستان یک موفقیت بزرگ در راه آزادی و برابری به حساب می آمد. اما، با وجود آنکه قوانین مدنی دیگر سد راه پیشرفت و ترقی سیاهان به شمار نمی آمد، دستیابی به برابری برای این اقلیت فقیر بسیار دشوار بود. به گفتهٔ یک سیاه پوست «زمانی که یک شخص بیکار است و درآمدی ندارد رفتن به یک رستوران مجزا و یا مخلوط فرق چندانی نمی کند»

سیاهپوستان آمریکایی از نتایج مبارزات احساس نارضایتی می کردند چرا اکثراً بر این عقیده بودند که مورد خیانت قرار گرفته اند و وعده های برابریهای اجتماعی و آزادیهای مدنی همه توخالی و بی اساس بوده است. آنان همچنان عقیده داشتند که دخالتهای یهودیان در رهبری قیام از پرورش قدرت رهبران سیاهپوست جلوگیری کرده است. گسترش عقاید محافظه کارانه در بین یهودیان بخصوص باعث تشدید خصومت مابین سیاهان و یهودیان گشت.

اغتشاش در مدارس

در سال ۱۹۶۸، اداره آموزش و پرورش در یکی از ناحیه های سیاه پوست نشین شهر نیویورک تصمیم به اجرای یک طرح آزمایشی در سطح مدارس این ناحیه گرفت. به دنبال این طرح عنان کار مدارس از دست ادارات مرکزی خارج شده به دست اولیاء دانش آموزان و رهبران جماعت گزارده شد. پس از به اجرا گذاردن این طرح، هیئت مدیره گروههای گرداننده ۱۹ معلم که ۱۸ تن از آنان را یهودیان تشکیل می دادند اخراج کردند. این عمل باعث بروز اغتشاش ما بین سیاهان و سفیدان و بخصوص معلمین یهودی گردید.

پس از گذشت چندین ماه زد و خورد ما بین دانش آموزان سیاه و معلمین سفید و یهودی و اتهامات ضد یهودی، اداره آموزش و پرورش نیویورک تصمیم به فسخ این طرح آزمایشی گرفت. چندین ماه بعد، یک معلم سفید پوست یهودی شعری را که یک دانش آموز سیاه برای معلم خود نوشته است در رادیو خواند:

آهای پسرک یهودی
با آن کلاه سرت
آهای پسرک رنگ پریده یهودی
آرزو دارم مرده بودی
من از اینکه دست به هر کاری که
بزنم
فقط از کشتار شش میلیون یهودی
بشنوم
خسته شده ام
دوران حکومت هیتلر فقط ۱۰ سال
طول کشید.
و در طول آن مدت شما اشک تمساح
ریختید.
اما زجر و عذاب من بیش از ۴۰۰
سال است که ادامه دارد...

این شعر شهر نیویورک را دچار اغتشاشات و هرج و مرجهای نژادی وحشتناکی ساخت. تظاهرات، درگیریهای لفظی، نامه های خشمگینانه ما بین سیاهان و یهودیان رد و بدل می شد.

سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰

سالهای ۱۹۷۰ امید چندان زیادی در راه بهبود روابط مابین سیاهان و یهودیان با خود به همراه نداشت. عقاید ضد یهودی هر روز بیش از روز پیش در میان گروههای مختلف سیاهان مورد قبول و تشویق قرار می گرفت. بعلاوه مسئله فلسطینیان و روابط نزدیک اسرائیل با آفریقای جنوبی به پیشرفت تشنج در میان این گروه کمک می کرد.

در سال ۱۹۷۹، «اندرو یانگ»، نماینده سازمان ملل متحد که در ضمن یک سیاستمدار برجسته سیاهپوست نیز به شمار می آمد با نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین ملاقاتی داشت. این ملاقات برخلاف سیاست ایالات متحده بوده و نتیجتاً «اندرو یانگ» پس از چند روز از مقام خود استعفا داد. سیاهپوستان براندازی این مقام را به گردن فشار از سوی یهودیان قدرتمند نهادند.

نظریات و برخی از سخنان «جسی

جکسون» کاندیدای سیاهپوستان حزب دموکرات برای مقام پرزیدنتی در سال ۱۹۸۴ باعث تشدید اختلافات بین یهودیان و سیاهان شد. تعداد زیادی از یهودیان که سابقاً از «جسی جکسون» پشتیبانی می کردند در پی براندازی وی از کاندیدای بر آمدند. هر چند «جکسون» از اظهارات خود عذرخواهی کرده ابراز ندامت نمود اما هرگز نتوانست رای یهودیان را جلب نماید.

سالهای آخر دهه هشتاد و اوایل نود شاهد ادامه خصومت و دشمنی مابین این دو گروه بود. شهرت رو به افزایش «لویس فراخان»، رهبر گروه «امت اسلام» در آمریکا، باعث هراس یهودیان در سطح آمریکا شد. پیام «فراخان» این است که سیاهان می بایستی که به هم یاری کرده از نظر اقتصادی به پیشرفت و تعالی دست یابند. سخنان ضد یهودی وی به سوی نگرانیهای یهودیان نشانه گیری شده باعث وهم و ترس فراوان می شود.

به تازه گی سخنان ضد یهودی «لیونارد جفرنر» رئیس سیاهپوست دانشگاه نیویورک باعث خشم فراوان در جامعه یهودی این شهر شده است. پیامهای نژادپرستانه این شخص هر چند که نمونه منابعی از فلسفه اکثریت سیاهان نیست اما مورد تائید بسیاری از فاضلین سیاه پوست قرار گرفته است.

تابستان امسال تیرگی روابط بین یهودیان و سیاهان زمانی که یک اتومبیل متعلق به هواداران «ربای لوباویچ» با یک پسر بچه سیاه تصادف کرده باعث مرگ وی شد به نقطه عرش خود رسید. آشوب و بلوا زمانی رو به وخامت گذارد که چنین شایع شد که آمبولانس ران یهودی اول مجروح یهودی را به بیمارستان منتقل کرده و پسر بچه سیاه را به حال خود گذارده تا جان دهد. حتی زمانی که پلیس « Crown Heights » اعلام کرد که مددکاران یهودی به دستور آنان مجروح یهودی را اول به بیمارستان منتقل کرده اند، سیاهپوستان همچنان به عداوت خود ادامه دادند. در طول تظاهرات متعدد بر علیه پلیس و یهودیان خسید، سیاهان ادعا می کردند که پلیس مدافع یهودیان است و از آنان بیش از سیاهان حمایت می نماید.

هر چند اتفاقات سالهای اخیر نشان درستی از روابط روزمره بین سیاهان و یهودیان نیست، اما اخبار مربوط به این حوادث تصاویر ناخوشایندی را در ذهن آمریکاییان به ثبت رسانیده است. متاسفانه مشتهای گره شده و خصومتهای لفظی بین این دو گروه انعکاس وسیعتری در وسایل ارتباط جمعی دارند تا گفتگوها و اتحادهای سیاسی.

برای مثال، به تازگی رهبران مذهبی کلیسای سیاهان در مناطق سیاهپوست نشین لوس آنجلس با یهودیان کنیسای «اسرائیل» در هالیوود به گفتگو و مصالحه پرداخته اند. یک کشیش سیاهپوست در شب سالگرد تولد «دکتر کینگ» و در برابر تعداد زیادی از یهودیان و سیاهان در این کنیسا به سخنرانی پرداخت. به گفتهٔ این کشیش «موقعیت لوس آنجلس ایجاب می کند که یهودیان و سیاهان سعی کرده همدیگر را بهتر درک نمایند.»

متاسفانه سخنان این کشیش هر چند زیبا اما خریدار فراوانی ندارد. روابط بین سیاهان و یهودیان همچنان رو به زوال است و کسی هم به فکر نجات نیست!

ترجمه و تنظیم از: پریوش
Newsweek Magazine

بردگی
SLAVERY

این تحقیق و گزارش نشان می دهد که بهره برداری غیر قانونی انسانی از انسانی دیگر هنوز در میان جوامع بشری فاجعه می آفریند.

« Suleika» دختر ده ساله ای است که مادر خود را از دست داده است و بوسیله (صاحب) خود از بقیه فامیل جدا شده، در مقابل دریافت چهار شتر به فرد دیگری فروخته می شود. شاید باور این قضیه دور از ذهن باشد و فکر و اندیشه را به قرنها پیش سوق دهد. دورانی که با نبودن قانون و سازمان حقوق بشر برده داری رواج داشت و عده ای زائیده می شدند که رئیس و برده دار باشند و عده ای دیگر بدنیا می آمدند که از اوایل طفولیت برده و فرمانبردار. ولی این گوشه و آن گوشه دنیا هنوز این قصه ادامه دارد.



طبق گزارشی از Britain's Anti Slavery International که یکی از قدیمی ترین سازمانهای ضد بردگی است، در سرتاسر دنیا هنوز ۱۰۰ میلیون بشر از برده بودن خود رنج می برند. در آفریقا انسانها همراه با زمین و خانه خرید و فروش می شوند و مالک، آنها را نیز مانند وسایل منزل خود بشمار آورده بخود حق استفاده کامل را می دهد. (صاحب) تصمیم می گیرد که انسان دربند و مالکیت او با چه کسی ازدواج کند، آیا بچه دار بشود یا نه، و اگر بردهٔ او بعلتی از بین برود تمام هستی و دارایی زن و فرزندان او خود بخود به وی یعنی مالک می رسد و تعلق می گیرد.



در هر نقطهٔ دنیا که هنوز برده داری رواج دارد وقتی با این انسانهای بیگناه صحبت می کنید، داستانها از تجاوز جنسی، کتک خوردن ها و گرسنگی برای شما بازگو می کنند، ولی هر چند که زندگی آنها تلخ و زجرآور است راه گریز وجود ندارد، و تنها راه نجات یک برده از این وضع این است که صاحب او از عهده تامین غذا برای وی برنیاید، یا برده آنقدر ضعیف و بیمار باشد که از او کاری برنیاید، آنگاه صاحب او را رها می کند که آنهم با درگیری با فقر و نداشتن غذا و مسکن خود شروع فاجعه دیگری در زندگی وی می باشد.

اطراف Senegal's River مملو از برده هایی است که در زمین صاحب خود مشغول به کار هستند و





هنوز اعلامیه های حقوق بشر و دفاع از آزادی و غیره بگوش آنها آشنا نیست.

«Mbarek» برده ای از سرزمین Maurita می گوید: من برده هستم و تمام اعضای فامیل من نیز برده هستند، صاحب من گاهی خوش اخلاق است و خوش رفتار، گاه نیز بسیار خشن ولی اغلب فقط بچه ها هستند که از او کتک می خورند!!! و وقتی گزارشگر مجله نیوزویک از او می پرسد: آیا چه تفاوتی بین تو و صاحب تو وجود دارد؟ وی می گوید: بسیار زیاد، او یک صاحب است و من یک برده، وی هنوز هیچ اطلاعی از قوانین موجود علیه برده داری ندارد و از این گفتگو تعجب می کند و عقیده دارد، که بهر حال هر سیاه پوست باید بندهٔ یک سفید پوست باشد... چرا که از طفولیت به او این فکر تزریق شده است. بدنیست بدانیم که سالها است در حد قلم و کاغذ و چند امضاء برده داری محکوم شناخته شده، حتی در سال ۱۹۴۸ طبق اعلامیه ای به حمایت از حقوق بشر، این امر به تصویب رسیده است، ولی در عمل هنوز این شیطان فاجعه می آفریند و اینجا و آنجا در موارد بسیاری نقض این قانون دیده شده و به عمل آمده است.

وقتی با چند (صاحب) گفتگو شده و نظر آنها را در مورد برده داری جویا می شوند، خود را مخالف نشان می دهند و سوءاستفاده انسانی از انسان دیگر را محکوم می کنند!! و توضیح می دهند که اغلب این افراد با میل و خواست خود در مقابل غذا و مسکن حاضر بکار می شوند! باعث تاسف است که گاه، بعضی از حکومتها خود شاهد و آگاه بر قضیه هستند ولی بنا بدلایل اقتصادی یا سیاسی مسئله را بروی خود نمی آورند.

در جمهوری «دومینکن»! که هزاران مزرعه نیشکر وجود دارد، افراد با نام ظاهری کارگر ولی با حداقل

حقوق و امتیاز، در شرایط بسیار نامناسب بکار گرفته می شوند، اغلب این انسانها با قول و قرارهای دروغین و با فریب و وعده شغل و مزایا و حقوق عالی از نقاط دیگر به «دومینکن» آورده می شدند و در مزارع بکار گرفته می شوند، اغلب این افراد در شب حتی به غذای کافی دست نمی یابند به این دلیل که در طی روز بمقدار کافی نیشکر نبریده و کار نکرده اند.

در بعضی از کشورهای عربی از جمله «سودان» بجای استفاده از کلمهٔ Slave که بمعنای برده می باشد از Guest-Workers استفاده می کنند که معنای واقعی آن در عمل همان برده می باشد، در اغلب این نقاط، انسانهای بیگناه را از کشورهایی فقیر مانند هند، فیلیپین، پاکستان، بنگلادش و بعضی از کشورهای آفریقایی آورده، پاسپورتهای آنها بوسیله مالک پنهان و ضبط و حداکثر کار از آنها کشیده می شود. کتک زدن این افراد امری کاملاً طبیعی است. بعد از درگیری و جنگ اخیر عراق و کویت، افرادی که از کویت فرار کرده و عین یک برده در آنجا زندگی می کرده اند، قصه ها از تجاوزات جنسی و ناملایمات زندگی خود از صاحب بازگو می کنند. در کشور بنگلادش در مقابل دریافت ۶ گاو دخترها خرید و فروش می شوند و دیگر اینکه در اغلب نقاط ذکر شده از یک بچه حتی ۵ ساله برای کارهای سخت مانند: جاروب کردن، حمل و نقل آجر و وسایل ساختمانی، آب کشیدن از چاه استفاده می کنند، اغلب این اطفال خبری از فامیل خود ندارند و حتی از وسایل ابتدایی بهداشت بدور هستند. اطلاعی در مورد درس و مدرسه ندارند و در مقابل مکانی برای خواب و لقمه ای غذا سخت ترین شرایط محیطی و زمانی را تحمل می کنند.

باید به امید روزی بود که اعلامیه های حقوق بشر و نفی برده داری از مرز کاغذ بیرون آمده به (عمل) در آید و یا اینکه دل انسانها بحال همنوع خود بیشتر بدرد آید.



اطلاعیه

«مجله توکا» و انتشارات «نازگل»

اخیراً کتابی درباره خاندان پهلوی در کالیفرنیا بزبان فارسی منتشر شده است که ناشر آن خود را «انتشارات توکا» نامیده است. همانگونه که هموطنان ارجمند آگاهی دارند «توکا» نام نشریه ایست ویژه کودکان ایرانی که از سیزده سال پیش در کالیفرنیا منتشر و در سراسر جهان پخش می شود. توکا، و ناشر آن «نازگل» همواره کوشیده اند که بدور از جنجالها و تظاهرات واهی، در جهت آرمان همیشگی خود یعنی خدمت به کودکان ایران زمین گام بردارند.

هیچیک از مسئولان، نویسندگان و همکاران مجله توکا و انتشارات نازگل کوچکترین دخالتی، تأثیری، همکاری و یا حتی اطلاعی در مورد ناشر و کتاب یاد شده نداشته و ندارند. جای دریغ و تأسف است که پاره ای از هموطنان، حتی وقتی که بکار به اصطلاح فرهنگی هم دست میزنند، از رعایت حقوق معنوی دیگران ابا دارند. مدیر، سردبیر و ناشر مجله توکا ضمن پیگیری مجدانه قضیه از طریق مقامات قانونی امریکا، مراتب را به آگاهی هموطنان ارجمند می رسانند.

مجله توکا، انتشارات نازگل

«آرزوی بهار»

ز رنگ سبز و سفید و قرمز و
سخاوت خورشید
دشت را نگاه کن
چه چراغانی است
نگاه کن خوب،
خدای من،
انگار
دوباره در این خزان کشیده خاک
نشانی از فراوانی است:
زلال آب چشمه ها چه خروشان است
فراخ مزرعه زنده از تراوش باران است
هوا زعطر نسیم پونه باران است
خیال باغ پرطراوت از نوید بهاران است
به هر نشیب جوی های پر هلهله جاری
به هر شکوفه ی هر شاخه نوید پرباری
لبان غنچه ها شگفته ز بوسه ی خورشید
دوباره دمیده به دلها شور،
شادی و امید
آه نگاه کن،
ولی،
به دشت سراب گونه ی پندارم
و پرچم سه رنگ گرفته گرد و غبار
روی دیوارم
آری نگاه کن که مقدم پاک بهاران
به شهر خوب من امسال چه خواب و خیالی است
دریغ و درد که در آن باغ همیشه بهار اکنون
آرزوی بهار،
حتی،
آرزوی محالی است.

جهانگیر صداقت فر

تیبوران ــ ۲۴ مارس ۱۹۹۱

تهیه و اهدا مقاله از : دفتر مهندسین مشاور، ایرج و داریوش صفائی آرشیتکت

تضمین وام ده میلیارد دلاری

در رابطه با این سئوال که آیا اسرائیل باید از تقاضای دریافت تضمین وام ده میلیارد دلاری صرفنظر کند یا نه بحث شدیدی در اسرائیل درگیر شده است.

دولت واشنگتن سرانجام اواخر ژانویه اعلام کرد وام ده میلیارد دلارژ مورد درخواست اسرائیل را تضمین می کند. اما همانگونه که انتظار میرفت برای آن شرط هائی قائل شد، از جمله خواستار گردید که دولت اسرائیل از برپائی هرگونه آبادی جدید یهودی نشین در سرزمین های یهودا و شومرون (کرانه باختری رود اردن) و باریکه غزه خودداری نماید و واحد های جدید مسکونی و یا مجتمع های ساختمانی در آبادیهای موجود، احداث نکند. با این شرط ایالات متحده، اسرائیل امکان می یابد پروژه های در دست احداث را بپایان برساند. شماری از سیاستمداران وابسته به احزاب دست راستی در واکنش به این شرط ایالات متحده، خواستار شدند دولت اسرائیل از خیر وام مزبور بگذرد و اعلام نماید، در هر شرایط و موقعیتی برپائی آبادیهای جدید دراین سرزمین ها را که اصل و بنیادی می باشد، متوقف نخواهد نمود.

چپ چه میگوید؟

در برابر این احزاب، نیروهای میانه و چپ اسرائیل قرار دارند که میگویند نباید بیش از این به تیرگی روابط با ایالات متحده دامن زد، زیرا که از دست رفتن وام مزبور، اسرائیل را در جذب مهاجران تازه وارد با مشکلات غیر قابل حلی روبرو خواهد نمود و بعید نیست در روند مهاجرت یهودیان از جمهوریهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع (اتحاد جدیدی که بعد از فروپاشی شوروی پیشین بوجود آمده)، افت شدیدی حاصل شود و حتی شمار زیادی از مهاجرانی که هم اینک در اسرائیل بسر میبرند به سبب ادامه بیکاری و مشکلات مسکن، به کشورهای اروپائی رو آورند و یا به جمهوریهای شوروی پیشین بازگردند.

اهمیت دریافت وام

شمار زیادی از مهاجران که هرماه به اسرائیل میایند و به صف بیکاران می پیوندند و بدین ترتیب شمار کسانی که از سازمان تامین اجتماعی، کمک هزینه زندگی دریافت میکنند روز بروز بیشتر میشود. درصد زیادی از مهاجران مهندس، پزشک و هنرمند تحصیل کرده هستند. کمیته هماهنگی جذب دانشمندان مهاجر به سرپرستی وزیر پیشین علوم و تکنولوژی پروفسور یوال نعیمان (יובל נאמן)، اعلام کرد ۲۵۰۰ دانشمند برجسته شوروی که در میان مهاجران یهودی به اسرائیل آمده اند، کار مناسب ندارند و بعید نیست این شمار تا پایان سال ۱۹۹۲ به ۳ هزار نفر افزایش یابد.

احزاب میانه و چپ در اسرائیل میگویند وزارت مسکن تحت سرپرستی آقای اریل شارون (عضو برجسته جبهه حزبی (لیکود) حدود دو ملیون و پانصد ملیون شکِل (واحد پول اسرائیل) به آبادی سازی در سرزمینهایَ یهودا، وشومرون و غزه اختصاص داده است. اما آقای شارون این ارزیابی ها را بسیار مبالغه آمیز می خواند و می گوید تنها ۱۵ در صد از بودجه به این پروژه ها اختصاص دارد که معادل حدود ۸۵۰ هزار شکل می باشد.

وزارت دارائی اسرائَیل اعلام کرد که تا سپتامبر ۱۹۹۱، ۵،۵۲۵ واحد خانه های متحرک و پیش ساخته در سرزمین های یهودا، شومرون و غزه مستقر شده است.

در یک گزارش تلویزیون اسرائیل پیرامون نارضایتی دولت واشنگتن از احداث آبادی سازی در این مناطق گفته شد که بعید نیست ایالات متحده ماهواره های خود را برای پیشگیری اقدامات دولت اسرائیل در زمینه آبادی سازی، به خدمت بگیرد.

آمار و ارقام

واقعیت این است که همه روسای جمهوری ایالات متحده رسما برپایی آبادیهای یهودی نشین در این سرزمین ها مخالفت کرده اند، ولی این نخستین بار است که برای اعطای کمکهای مالی و یا تضمین وام مورد درخواست اسرائیل، شرط گذاشته میشود. آقای اریل شارون احزاب چپ اسرائیل را متهم ساخته که با انتشار گزارشهای «مبالغه آمیز» ایالات متحده را در قائل شدن شروط برای اسرائیل، تشویق کرده است.

جنبش چپ گرای صلح، اکنون که اعضاء و هواداران صلح گروهی از احزاب چپ و میانه از آن حمایت می کنند، ارزیابی های خود را از آبادیهای یهودی در سرزمین های یهودا، شومرون و غزه «دقیق» میدانند و اعلام کرده در ۱۵۷ آبادی در این مناطق، ۹۹ هزار اسرائیلی زندگی میکنند و آمار شورای مرکزی این آبادیها که شمار ساکنان را ۱۱۲ هزار نفر اعلام کرده، درست نیست.

بنا به گزارش این جنبش، که در روزنامه هاآرتص انتشار یافت، ۱۳،۶۵۰ واحد مسکونی در این آبادیها در دست احداث هستند. اعضای شورای آبادیها، این جنبش را دروغگو و خائن لقب داده است.



یادی از گذشته ها

عکس بالا در مراسم فارغ التحصیلی دبیرستان آلیانس همدان در سال ۱۹۲۵ برداشته شده است . با عرض تشکر از خانم ویکتوریا اخوت (عاشقیان) که این عکس را در اختیار ما قرار داده اند، از کلیه همکیشان عزیز دعوت مینماییم که در صورت در اختیار داشتن هر گونه عکس تاریخی در هر مورد (اجتماعی یا شخصی) برای ثبت در تاریخ به دفتر سازمان ارسال دارند تا پس از چاپ در نشریه به آنان مسترد گردد .

از چپ به راست ایستاده:
آقایان: حکیمی ـ خوشبین ـ شادروان یوسف ساویز ـ شادروان خلیل علمی
خانمها ایستاده : سلطنت گبریل ـ منور شمطوب ـ عمید ـ ؟
آقایان ایستاده : موسی عاشقیان ـ حبیب طبیب زاده ـ داود شفا ـ دانیال رفیعی ـ داود شاریم
از چپ به راست نشسته:
هدایتی ، دبیر دبیرستان ـ شادروان موسیو صالح ناظم دبیرستان ـ موسیو روزنتال ـ مادام صیون دبیر فرانسه ـ موسیو کهنکا ، رییس دبیرستان ـ مادام کهنکا ـ موسیو صیون ، دبیر فرانسه موسی یزدانی ، دبیر ریاضی ـ شادروان میرزا موشه راسخ ، ناظم مالی
نشسته از چپ به راست:
شادروان یوسف الیاس زاده ـ ؟ ـ خانم بالا طالعی ـ مادموازل لوییز ـ خانم نحمو ـ
خانم کحال زاده ـ موسی نگاران

«اطلاعیه»



دوست کاندر بر وی
گریه انباشته را
نتوانی سر داد
چه توانی نامش؟
بیگانه است

ای هم قبیله:

واقعه بی سابقه و غیر منتظره روز باغ که یکشنبه ۲۶ آپریل اتفاق افتاد ما را بر آن داشت که این نامه را بتو، عزیز هم قبیله مان بنویسیم.

گفتیم این واقعه غیر منتظره بود، زیرا سال گذشته و در همین محل قریب ۲ هزار نفر برای مراسم روز باغ شرکت کردند و تا غروب آفتاب یکی از بهترین روزهای باغ زندگی شان را گذراندند.

با تشویق همین افراد و با برطرف نمودن کمبودهای سال پیش، سازمان ما با کرایه چند دستگاه دستشویی تمیز به مبلغ ۱۰۰۰ دلار، خرید ۳۷۰ گالن آب آشامیدنی، کرایه یک دستگاه ژنراتور برای برق رسانی به ارکسترهای خوانندگان عزیز چون سرژیک، مصطفی خاک نگار، عطا و خانم نوشین که با محبت زیاد دعوت ما را پذیرفتند که مایه شادی هر چه بیشتر شما در روز باغ باشند (که به باغ هم تشریف آوردند و با پوزش بسیار ما و در کمال بزرگواری آنجا را ترک نمودند)، خواستیم خاطره بهتری از سال قبل را ارمغانتان کنیم.

این باغ یکهفته قبل مورد بازدید دو نفر از هیئت اجرائی سازمان قرار گرفت، لیکن گرمای بی سابقه سه روز قبل از یکشنبه باعث پیدایش کرمهای ابریشم و خشکی بیش از حد باغ شد. هیئت اجرائی سازمان که داوطلبانه و بی هیچ چشم داشتی، صرفاً بخاطر یک میتصوای بزرگ (نگاهداری سنت های خوب یهودیت و ازدواجهای یهودی) دست به اینکار زده اند از ساعت ۶ صبح مشغول نصب تابلوها، خرید آب و دیگر فعالیتهای لازمه بودند. با گرم شدن هوا و هجوم بی سابقه مردم و درک شرایط نامساعد، نظر به غیر منتظره بودن حوادث طبیعی که از قدرت بشر خارج می باشد، حوالی ظهر تصمیم گرفته شد که با گماردن عده ای در جلو پارک از ورود افراد جلوگیری شود. متاسفانه بخاطر عدم دسترسی به وسایل ارتباط جمعی در آن ساعات و برگزاری چند برنامه آمریکائی در چند پارک نزدیک به پارک مربوطه، ترافیک منطقه به چند برابر حد معمول خود رسید و باعث گردید که رسیدن به پارک را در گرمای بیسابقه و طبیعی به حد غیر قابل تحملی برساند. چون هیئت اجرائی سازمان تا ساعت ۶ بعد از ظهر برای آرام نمودن برخی از میهمانان و آسان نمودن انتقال تمام میهمانان در محل پارک باقی ماندند و با در نظر گرفتن تماسهای تلفنی مردم در مورد اجرای روز باغ لازم می دانیم نکاتی را به اطلاع عموم برسانیم.

۱- لازم است از درک، بزرگواری و پشتیبانی اکثریت افراد علاقمند به سازمان که ساعاتی را با ما گذراندند و با دلسوزی در حمل و نقل وسایل کمکمان کردند و برای بی حوصله تر ها دلیل آوردند قدردانی و تشکر کنیم.

۲- تاکید بر نکاتی که افراد علاقمند به سازمان به آن واقف هستند به دیگرانی که به اعتراض دست زدند نیز لازم می باشد.

این سازمان از بدو تولد خود، زمانی که بیشتر افراد دست به کار اجتماعی نمی زدند از آگوست ۱۹۷۹، بیشتر تاکید خود را بر کارهای مردمی زده است. بطور مثال:

صدور گواهی یهودیت رایگان (جائیکه بین ۲۰ تا ۵۰ دلار در هر محل دیگری خرج داشت)

کلاس عبری رایگان
کلاس انگلیسی رایگان
سمینارهای مالیاتی، بیمه، حفاظتی و غیره مجانی (زیرا در آن زمانها کسی نه وکیل داشت و نه به فرهنگ و شرایط این مملکت آشنا بود)
گرفتن بیمه اجتماعی برای یهودیان ایرانی مهاجر، برگزاری مراسم یهودی با پذیرایی و ارکستر رایگان
مراسم کیپور و روش هشانا رایگان
باز نمودن مدارس بسته شده بر یهودیان مهاجر در غرب لوس آنجلس
تماس با مقامات دولتی در تمام سطوح مملکتی
و بسیاری موارد دیگر که از حوصله این نامه خارج، ولی تمام مدارک آن موجود و قابل بررسی شما و تاریخ نویسان آینده خواهد بود.
اکنون نیز این مائیم که برای شما احساس مسئولیت و دلسوزی می کنیم
آزمایش سرطان پستان برای خانمها
کمیته بهاری دیگر برای آشنائی افراد طلاق گرفته
گرفتن ۴۰۰ بورس کمپ تابستانی مجانی (که هریک ۱۲۰۰ دلار ارزش دارد) برای فرزندان پناهندگان اخیر
کمک به مدارس یهودی که بورس مجانی و یا کم هزینه یهودیان ایرانی را قطع نکنند
کمک به مخارج پزشکی افراد صعب العلاج
کمک به آسیب دیدگان آشوب اخیر لوس آنجلس
انتشار یک نشریه قومی برای بالا بردن حس افتخار یهودی بودن ، برگزاری رسیتال موسیقی برای پرورش استعدادهای جوان جامعه و دیگر اهدافی که همه با ارزش هستند و به آن ادامه خواهیم داد.
همه این اهداف و کارها صرفاً توسط کسانی انجام می گردد که:
۱ـ داوطلبانه خدمت می کنند و حقوقی از این بابت نمی گیرند.
۲ـ از وقت کارهای خود و به قیمت از دست دادن منفعتهای تجارتی خود مایه می گذارند.
۳ـ از وقت خانواده خود می گیرند و به اجتماع می دهند.
۴ـ مجسمه افتخاری و لوحه سپاسی نیز تا بحال دریافت نکرده و انتظارش را هم ندارند.
۵ـ اعتقاد به افتخار و سربلندی قوم خود دارند.
۶ـ برایشان میزان درآمد خانواده های یهودی علی السویه است.
دوستانی که اعتراض کردند که دوساعت از وقتشان به بطالت گذشته بایستی با نگاهی به واقعه اخیر لوس آنجلس ببینند که جائیکه:
شهری، ایالتی و کشوری اینطور در مقابل یک حادثه که چندان هم غیر منتظره نبود با داشتن افراد قدرتمندی چون پلیس، ارتش، گارد ملی، شهردار و رئیس پلیس، فرماندار و رئیس جمهور و سازمانهای اجتماعی دارای نفوذ، چگونه شهر را باختند و کشته ها، زخمی ها، غارتها و نابودیها را بجا گذاردند.
باز هم می گوئیم حادثه غیر منتظره و قابلیت مقابله را مقایسه کنید، کلاه تان را قاضی کنید.
موشه بن عمرام مردم را از بندگی چند صد ساله رها نمود، مان تقسیم نمود، دریا را نصف کرد، دشمنان را نابود کرد به سرزمین شیر و عسل می برد و افتخار و آقایی و سربلندی ـ با نصف روز دیر آمدن، گوساله طلایی ساختند و به قهقرا برگشتند و کف بر دهان آوردند و ناسزا گفتند.
ما از کسانی که در این واقعه پشت سازمان خودشان ایستادند و ما را حمایت کردند سپاسگزاریم و در کارها و هدفهایی که آینده همه مان را بهتر کند از طرف آنان هم کار می کنیم.

سازمان یهودیان ایرانی تبار مقیم کالیفرنیا(سیامک)
درگذشت جانگداز زنده یاد الیاهو نظریان عضو هیات مدیره سازمان را به کلیه ی اعضاء سازمان و خانواده آن مرحوم از صمیم قلب تسلیت گفته برای بازماندگان از خداوند یکتا آرزوی سلامت دارد.(هیات مدیره)

חרדים בירושלים תקפו אמש צעיר שעמד דום בצפירת יום־הזיכרון

מאת צבי זינגר,
כתב „ידיעות אחרונות"

סטודנט ירושלמי הותקף אמש בלב איזור חרדי, כאשר עמד דום מחוץ למכוניתו בעת הצפירה שציינה את פתיחת יום הזיכרון לחללי מערכות ישראל. המותקף, בוקי בועז (30) הגיש תלונה במשטרה.

„הייתי בנסיעה ברחוב שבטי ישראל, סמוך לשכונת מאה שערים, כאשר החלה הצפירה", מספר בועז, יוצא יחידה קרבית מובחרת. „עצרתי את מכוניתי, יצאתי ועמדתי דום. לפתע רצו לקראתי שני חרדים, תוך צעקות ביידיש, והשליכו לעברי גושי פחם וקרשים.

„מאחוריהם היתה חבורה גדולה של בחורי ישיבה", מספר בועז. „אולם הגבתי אינסטינקטיבית, כפי שלמדתי ביחידה שבה אני משרת. רדפתי אחריהם, הפלתי אחד מהם ארצה – ועזבתי רק כאשר החלו עשרות להתגודד מסביבי".

החייל המצטיין ה־120 לא זכה להגיע למישכן הנשיא

שרון בן־אריה ז"ל נפל בלבנון לפני כחודש בקרב נגד מחבלים ● את הפרס קיבלו במקומו בני משפחתו: הוריו, אחיו ואחותו

– מאת גבי ברון, כתב „ידיעות אחרונות" –

מעולם לא היה טקס כזה במישכן נשיאי ישראל, ובסופו הייתה בלב כול התקווה, כי גם לא יחזור על עצמו. כי משורות 120 החיילים והחיילות המצטיינים, שהוזמנו אל הנשיא, חיים הרצוג, יחד עם מפקדי צה"ל להוריהם ובני המשפחות, נעדר חייל מצטיין אחד: שרון בן־אריה ז"ל. במקומו ישבו שם הוריו, מרים ואוריאל, אחיו ואחותו, כשעיניהם הדומעות מוסתרות במשקפי־שמש.

הייתה זו יוזמתו של הנשיא הרצוג להזמין לטקס את ההורים השכולים, אשר בנם קיבל את ההודעה על בחירתו כחייל מצטיין ימים ספורים לפני שנפל בלבנון, לפני כחודש, בקרב נגד מחבלים.

אמרה האם, מרים: „זו הרגשה קשה, שבה מעורבים הגאווה והכאב. רק יומיים לפני שנפל טילפן שרון הביתה והודיע בשמחה, כי הוא נמנה עם 120 החיילים המצטיינים לשנה זו".

האב, אוריאל, כבש את דמעותיו במהלך הטקס, אך בסופו לא הצליח לבלום את כאבו. „הוא הבטיח לי בשיחת טלפון, שלקראת הטקס ישהה אצלי שבועיים או שלושה בירושלים", אמר בקול שבור.

אחותו של שרון, רנה (20), שסיימה שירות בחיל־האוויר, דיברה על מה שבליבה. „אני גאה בו, אבל לא מצליחה להרגיש את החג", אמרה, מתבוננת בחיילים ובחיילות, המהלכים בין קברניטי האומה, ותעודות ההצטיינות בידיהם. „יש בי קינאה. הייתי רוצה לראות גם את שרון כאן".

אמר הנשיא הרצוג: „מול דורות הוותיקים, אשר הניחו את התשתית לכוח־המגן של מדינת ישראל, ניצבים מאה ועשרים – חסר אחד – קצינים וחיילים מצטיינים, שהם דור ההווה המפיח תקווה לעתיד".

היה המטוס להמריא לדרכו לישראל ממקום חנייתו באי קורפו.

עשרה מטוסים קלים, שחנו אתמול בשטח תערוכת התעופה בנמל־התעופה בן־גוריון, ניזוקו על־ידי הקהל.

ילדים ומבוגרים, שטיפסו על המטוסים, גרמו נזקים לכנפיים, להגאי הגובה ולאנטנות. שי הלל, מנכ"ל חברת התעופה „נשר", שאחרים ממטוסיה הוצגו בתערוכה, סיפר אמש, כי חמישה ממטוסיו ניזוקו: „אנשים קרעו באמצעות חפצים חדים את ציפוי הבד של אחד המטוסים. למטוס אחר שברו את אנטנת הקשר. מטוסים אחרים נפגעו בכנפיים. האנשים שלנו לא יכלו להשתלט על הקהל, שהחל לזרום למקום כבר בשעה שבע בבוקר. מעולם לא ראיתי דבר כזה".

יותר מ־15 אלף כלי רכב נהרו לנמל־התעופה וכוונו כמעט ללא פקקים למגרשי החניה הענקיים. משם הוסעו המבקרים באוטובוסים לאיזור התערוכה. מעט לחצי־תנועה היו רק עם תום המיפגן האווירי.

ממשלה חדשה הוקמה בלבנון

– מאת כתבי „רויטר" ו„אי.פי." בביירות –

ראש ממשלת לבנון, ראשיד א־סולח, הודיע אתמול על כינון ממשלה חדשה, שתציב לה למטרה לחלץ את המדינה מן המשבר הכלכלי החמור, אשר גרם לנפילת הממשלה הקודמת לפני 10 ימים.

סביר להניח, שחילופי־הגברי בממשלה לא ישפרו על מריניות לבנון לגבי שיחות השלום, שכן בעלי התפקידים המרכזיים שכיהנו בממשלה הקודמת נשארו בתפקידיהם גם בממשלה החדשה.

אולם סמיר ג'עג'ע, ראש הכוחות הלבנוניים, מיליציה נוצרית ימנית, אשר הוזמן גם הוא להצטרף לממשלה כשר־מדינה, סירב לקבל את המינוי.

הוא נימק את הדבר בכך שהממשלה החדשה היא פרו־סורית יתר על המידה והיא דומה יותר מדי לממשלה היוצאת.

בסך הכל יש בממשלה החדשה 24 שרים, מהם 16 שכיהנו גם בממשלה היוצאת. מחצית השרים הם נוצרים ומחציתם מוסלמים. כינון הממשלה החדשה אושר אתמול בצו נשיאותי שפורסם על ידי הנשיא אליאס הראווי.



מחזיר את פרס ישראל במחאה

טקס הענקת פרס ישראל נוצל אמש להפגנה פולי־טית רעשנית. כאשר הכריז חבר השופטים על החלטתו להעניק את פרס ישראל למשורר אמיל חביבי, קם פרופסור יובל נאמן (תחיה) ממקום מושבו בתיאטרון ירושלים וקרא לכוון הבמה: „אדוני, שר החינוך. אני מחזיר את פרס ישראל שקיבלתי לאות מחאה על הענ־קת הפרס למי שקיבל מיאסר ערפאת את פרס ירושלים של אש"ף". לאחר מכן ביקש נאמן את סליחת יתר חתני הפרס על התפרצותו.

נאמן עזב את האולם, כשאליו מתלווים גאולה כהן, אליקים העצני ובני קצובר. באולם נשמעו קריאות קריאות „בוז" ומחיאות כפיים בעת ובעונה אחת.

פרופ' נאמן כתב מכתב חריף אל שר החינוך: „מדו־בר בהענקת הפרס על יצירה, שכל כולה שינאה תהו־מית למדינת ישראל והצגתה כראויה להיעקר מעל פני האדמה. אפילו את ואגנר איננו מנגנים כאן, ומעשהו מתגמד ליד כתב השיטנה של אמיל חביבי. קראתי את יצירתו של חביבי 'האופטימיסט'. ישראל שבספר גרו־עה מסדום ומעמורה. כמוה כגרמניה הנאצית, ואולי אף נוראה ממנה". נאמן הצהיר, כי יצרף למכתבו את הפרס שקיבל בשנת 1969, כולל הכסף.

אמיל חביבי טען, כי לא נפגע בכלל. „שאלתי את עצמי, אם אני צריך להיעלב, או שהחברה הישראלית צריכה להיעלב. אני מכיר את האנשים האלה".

פרופ' נאמן טוען, שאתה כותב בשינאה על מדי־נת ישראל.

„לא על המדינה. אבל על השליטים והמימסד -- כן. אני נגדם. מותר לי".

למרות דברים אלה, ובניגוד להצהרותיו, לחץ חביבי את ידי ראש־הממשלה, יצחק שמיר. לאחר הטקס עזב ראש־הממשלה את המקום בחיפזון וסירב בתוקף להת־ייחס לתקרית.

אורה עריף

שני ישראלים הם חתני התנ"ך

מירוץ צמוד בין שני ישראלים בחידון התנ"ך העול־מי, שנערך אתמול בירושלים, הסתיים בהענקת תואר „חתן התנ"ך העולמי" לשניהם. השניים: דורון סופר מנתיבות, תלמיד ישיבת בני־עקיבא בבאר־שבע, בן למשפחה בת 11 ילדים, ויהונתן שרעבי משעריים, תל־מיד ישיבת שעלבים, בן למשפחה בת 8 ילדים.

דבורה סינר־משען מארגנטינה הוכתרה בתואר כלת התנ"ך בתפוצות וחלקה את התואר של סגן שלישי לחתן התנ"ך עם איתן קליינברג ממכסיקו. הסגן השני הוא אבי ביטון, תלמיד ישיבת בני עקיבא בבאר־שבע. הסגן הראשון הוא ערן מאיר, בן רמת־מגשימים שבר־מת־הגולן, תלמיד ישיבת חיספין.

גם השנה הגיעו לחידון עשרות נערים ונערות מרח־בי העולם, וביניהם נציגי ארצות, שלא השתתפו בעבר בחידון: רוסיה, בולגריה, צ'כוסלובקיה, סלובניה, סור־קיה ומרוקו.

כוננות בשגרירות ישראל במוסקבה

בידי הרוסים מידע על מספר פעולות טרור, המתוכננות נגד שגרירויות זרות

אמצעי ביטחון קפדניים ביותר ננקטים בשגרירות ישראל במוסקבה, בעקבות הודעתו של מפקד האגף למ־לחמה בטרור במשרד הביטחון הרוסי, גנרל גנאדי קובלנקו, כי בידיו מידע על מספר פעולות־טרור, המתו־כננות נגד שגרירויות זרות. „הסכנה היא מאורחי חוץ" – אמר הגנרל.

לדבריו, למוסקבה כבר הו־עברו ומרי חבלה, „אך המצב הוא תחת פיקוח מתמיד". הוא נמנע מלציין מיהם המתכננים או מהם היעדים.

באופן בלתי רשמי נרמז, כי ישראל היא אחד היעדים של אותם מחבלים.

מול השגרירות הישראלית, ברחוב בולשאיה אורדינקה 56, הוצבו גושי־בטון, המונעים התקרבות של כלי־רכב לבניין. כל הנכנסים לשגרירות, עוב־רת שיפוץ יסודי. הנסחב ללא קץ כבר חודשים ארוכים, נבד־קים.

אמנון קפליוק (מוסקבה)



„לא עוד כצאן לטבח"

„רק כאשר יכירו אויבינו בכך, שכל יד שתונף על אזרחינו תיגדע – כי אז יבינו, ששבנו לאדמתנו לחדש חיינו הלאומיים לנצח־נצחים". כך אמר אמש ראש הממשלה, יצחק שמיר, באזכרה לנופלים בבית „יד לבנים" בירושלים. הוא הוסיף: „לא נובל עוד כצאן לטבח. פסענו בנתיב קרבות ארוך, ואין אף שעל אדמה, שלא נגאל בדם. אולם, לא ירחק היום ומדינות ערביות נוספות למצרים יעלו על דרך השלום". בתמונה: ראש הממשלה מניח זר זכרון במהלך האזכרה. **(תצלום: זום 77)**

SNIFFER

Two researchers from the Weizmann Institute in Rehovot, Israel, have invented a bionic sensor which can "sniff" out drugs or explosives, thus eliminating the need for dogs currently used for that purpose.

The sensor can also be used in tests for medicines and cosmetics, thus avoiding laboratory testing on animals.

MELT DOWN

The Dead Sea Works has begun marketing a new snow-melting salt produced as a by-product of Dead Sea potash and salts. The de-icer was tested by a Swedish technology institute and found to be effective even at temperatures of about minus 30 degrees Farenheit.

AROUND & ABOUT

COCHIN JEWS

A new film, entitled *2,000 Years of Freedom and Honor: The Cochin Jews of India*, has premiered at the American Museum of Natural History in New York City.

Produced by anthropologist Johanna Spector, the film laments the disappearance of the only community in the world which has never been exposed to anti-Semitism by its host nation.

ROLE REVERSAL

German reporter and World War II memorabilia collector Gerd Heidemann has helped police recover a stolen guillotine and a piano that once belonged to Hitler.

In the past he was not as helpful; Heidemann, who was at the center of the "Hitler Diary" hoax in 1983, was convicted of defrauding *Stern* magazine of more than $3 million for the purported diaries.

BAD HONOR

The French government has paid a discreet posthumous tribute to an author, Louis-Ferdinand Celine, after ostracising him for his pro-Nazi activities during World War II.

The house in the Paris suburb of Meudon in which Celine died at the age of 67 in 1961 is being proposed as a listed historical monument, the Cultural Ministry said.

Celine turned to extreme-right politics and during the 1940-1944 German occupation wrote for some of the most rabidly pro-Nazi newspapers in Paris.

He fled the French capital with German troops when the city was liberated. He was arrested in Denmark at the end of the war in 1945 and spent two years in prison there.

PARDON ME

Estonia has countered Russian criticism of a new law, saying the legislation would not pardon wartime Nazi collaborators.

Russian Foreign Ministry spokesman Vitaly Churkin recently attacked what he referred to as the parliament's decision to rehabilitate citizens found guilty of collaboration by postwar Soviet courts.

But Estonia's parliament issued a statement saying Nazi war criminals were not included in the new law on "rehabilitating people who were illegally repressed."

"הממשל עשוי להעניק לישראל את הערבויות בתחילת 1993"

– הבטיח חבר הקונגרס, לי המילטון, לראשי האירגונים היהודיים ● בייקר בשדר לשמיר: שקול מחדש את התנגדותך לשיתוף פלשתינים מהפזורה בשיחות הרב־צדדיות ● גורמים בירושלים בשלהם: לא נשתתף

– מאת רמי טל, יצחק יחזקאלי,
כתבינו בארה"ב, שמעון שיפר ודני שדה,
כתבי "ידיעות אחרונות" –

"ישראל עשויה לקבל את הערבויות בסך 10 מיליארדי דולרים בתחילת השנה הבאה", כך אמר חבר הקונגרס רב ההשפעה, לי המילטון, בפגישה עם ראשי ועידת הנשיאים של האירגונים היהודיים בניו־יורק.

המילטון, שהוא ראש תת־הוועדה לענייני המזה"ת בבית הנבחרים, הבטיח בפגישה – לחדש אחרי מערכות הבחירות בישראל ובארה"ב את מאמצי הקונגרס להעביר את ההחלטה, והעריך שסיכוייה טובים.

שר החוץ האמריקני, ג'יימס בייקר, שיגר הלילה שדר לראש הממשלה, יצחק שמיר, שבו הוא מבקש שישראל תשקול מחדש את התנגדותה לשיתופם של פלשתינים מהפזורה בקבוצות העבודה, שאמורות להי־תכנס במהלך החודש במסגרת המו"מ הרב־צדדי.

הרופ העביר השדר

לכתבנו המדיני נודע, כי בשדר שהעביר הלילה שגריר ארה"ב בארץ, ויליאם הרופ, נאמר כי המו"מ הרב־צדדי נועד להרחיב את מעגל השותפים להסדר באיזור, וכי ישראל תצא נשכרת מן השיחות. בייקר הדגיש, כי קבוצות העבודה יתכנסו גם בלי ישראל.

מקורות מדיניים רמי דרג בירושלים, אמרו לכתב־נו בתגובה, כי התנגדותה של ישראל לשיתופם של פלשתינים מן הפזורה בעינה עומדת, וכי ישראל לא תשתתף בשיחות על הפיתוח הכלכלי באיזור, שייפתחו ביום ב' בבריסל, ובשיחות על מצב הפליטים, שיי־פתחו ביום ד' בקנדה. לעומת זאת אמרו, כי ישראל תשתתף בשיחות שיתקיימו בוושינגטון, בווינה ובטו־קיו, שאליהן לא הוזמנו פלשתינים מן הפזורה.

ראשי הפלשתינים בשטחים הביעו את שביעות רצונם מהחלטת ישראל להחרים את הדיונים בקנדה. לדבריהם, ניתן יהיה בדרך זו לעסוק בנושאי פיתוח השטחים ושיקום הפליטים, מבלי שתהיה התנגדות ישראלית או תרגילים לעיכוב החלטות.

סין מתעניינת

כתבנו בכון, גד ליאור, מוסיף: ממשלת סין התענ־יינה בסוף השבוע אם נציגים מטעמה יוכלו להשתתף ולעקוב מקרוב אחר השיחות הרב־צדדיות בווינה. נו־שא השיחות: השגת הסדר לחלוקת המים במזה"ת.

search of oil below a layer of salt which extends beneath the Dead Sea.

POSTCARDS FROM THE EDGE

A long-neglected suitcase has yielded an unexpected treasure; it was found to contain letters, postcards and poems of the late Israeli Nobel Laureate Shmuel Y. Agnon.

Among the items found is a poem entitled "From Afar," written by Agnon from Germany to his wife and children in Israel. The text is of special interest, as Agnon wrote mostly prose.

MILKING IT

A group of Israeli experts is currently planning an investment of $750,000 to upgrade the dairy industry in Poland in a pilot project.

The aim of the project is to teach Polish dairy farmers how to upgrade their herds and triple milk yields.

EUROPE

NOT JOINING

Archbishop of Canterbury George Carey has refused to become patron of an Anglican organization aimed at converting Jews to Christianity, breaking a 150-year-old tradition.

In a letter to the Church's Ministry Among Jews, the spiritual leader of the world's 70 million Anglicans said that any link with the society would undermine attempts to build up trust with the Jewish community.

REWRITE

A BBC television report on the life and times of the late Israeli Prime Minister Menachem Begin was changed following a protest from the Israeli Embassy.

The initial report, broadcast internationally, had focused on Begin's responsibility in the war against the British mandate in Palestine. The new report focused on Begin's efforts in the peace accord with Egypt.

PRINCIPLES

Britain's Lord Goodman has stopped acting as legal adviser for the Dutchess of York, following her private visit to the Everglades Club in Florida, which openly bars Jews and blacks.

Lord Goodman is understood to have been deeply disturbed by the visit, and to have felt he had no choice but to react on an "issue of basic principle."

QUEEN'S YIDDISH

A "teach yourself Yiddish" textbook, complete with cartoons and puzzles, will be among a new series of Yiddish-related publications funded by London University's Queen Mary and Westfield College.

The series will include books in English about the Yiddish language, literature and culture, translation of Yiddish works and new and classic Yiddish literature.

SCIENCE AND TECHNOLOGY

STICKING AROUND

A new type of biological glue has been developed at the Sheba Hospital at Tel Hashomer in Israel. The product, when sprayed on surgical incisions, stops bleeding and improves blood coagulation.

The new glue allows hemophiliacs to undergo several surgical procedures without danger of bleeding.

BACK UP

A small electrical device has been developed at Kibbutz Ginossar in Israel to treat scoliosis, a disease which generally attacks adolescents during the years of accelerated growth periods.

The device's main advantage is that it only needs to be used during nighttime sleeping hours, as compared to current treatments which include devices worn for 20 hours a day, or complex back surgery.

DIRECTIONS

Azimuth, an Israeli high-tech company formed by former military personnel, has introduced a new non-magnetic compass which has both military and civilian applications.

The celestial compass offers significant advantages over the conventional magnetic compass, since it is not affected by the presence of metal in the surrounding area.

KOSHER CAVIAR

Delitech, a division of Israel's Technion Institute of Technology, has developed and begun marketing a kosher caviar substitute.

The new product, which looks and tastes like black Russian Caspian sturgeon caviar, has only 118 calories per 100 grams.

WATER COLOR

The Israeli paint company "Tambour" has developed a new underwater marine paint. The new product is lead-free and non-polluting, and prevents the formation of barnacles.

COLD POWER

The U.S. National Science Foundation has ordered two close-cycle turbines from Ornat Turbines Ltd. of Yavne, Israel.

The machines will supply power to a research station in Antarctica in severe weather conditions which include average winter temperatures of minus 22 degrees Farenheit and winds of up to 125 miles per hour.

DATELINE WORLD JEWRY

BOYCOTTING ISRAEL

The U.S. Commerce Department has imposed a $2,000 civil penalty on Alpha Wire Company, a New Jersey manufacturer, for an alleged violation of American anti-boycott laws in doing business with Dubai.

The Department has also charged L.A. Gear, a major U.S. sneaker manufacturer, with 46 violations of the Export Administration Act for illegally trying to win business in Kuwait by agreeing to participate in a boycott against Israel.

BUILDING BRIDGES

Israel airlifted bridges to Saudi Arabia to enable U.S. Marines to cross canals and anti-tank obstacles in southern Kuwait during the Gulf War, according to a new book entitled *Shield and Spear: The Story of Israeli Military Industries*, by Yosef Evron.

The bridges, built in Haifa, were loaded onto U.S. Air Force "Galaxy" planes.

HITLER SPEECH

A Thousand Oaks, California, elementary school student, wearing a khaki uniform with a swastika armband and a fake mustache, recently won an annual oratory contest with a speech that portrayed Hitler as having been mistreated by Jews.

After complaints by Jewish parents, the school district changed its policy to allow speeches only on historical figures who have had a positive influence on society.

EASTERN EUROPE

RUSSIAN JEWS

The Russian Academy of Natural Sciences in Moscow has signed a contract with a Ben Gurion University professor to publish an encyclopedia on the history of Russian Jewry.

Researchers for the five-volume encyclopedia have been promised access to rare archival material, including KGB information.

FARM AID

According to a report by the Russian news agency, TASS, the Russian government has allocated 115 million rubles worth of credits to the state and collective farms of the so-called Jewish autonomous republic of Birobidzhan.

The republic was established by Stalin as an alternative anti-Zionist Jewish homeland.

NEW LINKS

The Belorussian Association of Friendship and Cultural Links with Foreign Countries has held a conference in Minsk to organize the establishment of a Belorussian-Israeli association.

NAZI LEGACY

NAZI PASSPORTS

The Vatican has reacted coolly to accusations that it helped the International Committee of the Red Cross (ICRC) supply Nazi war criminals with passports at the end of World War II.

The charge was supported by a 1947 report by the C.I.C. (forerunner of the C.I.A.) on the Vatican's role in recommending to the Red Cross names of people to be given passports.

OLD LIE

The head of the Federal Chamber of Civil Engineers in Austria, Walter Lueftl, has resigned amid public uproar, after saying that the mass murder of Jews in the gas chambers of Auschwitz was impossible.

In a five-chapter treatise entitled *Holocaust -- Belief and Facts*, Lueftl wrote that mass murder with the poison gas Zyklon B "could not have happened."

ISRAEL

SACRIFICES

Fifty percent of the younger generations of Sephardim would be prepared to lower their standard of living to help absorb the immigrants from the former Soviet Union, according to a recent survey.

The study, conducted by Dr. Majed Elhaj of Haifa University's sociology department, found an even larger percentage of Ashkenazi (Jews of European origin) youth willing to lower their living standards to help in the absorption.

OIL HOPE

Drilling of the *Sdom Amok* (Deep Sodom) well near the Dead Sea, described by experts as Israel's most promising oil exploration venture, has begun.

The drilling, which will cost about $17 million and take an estimated eight months to perform, is planned to reach a depth of 6.5 kilometers in

Glat Kosher
Under Supervision

گلت کاشر

Grand Opening

Yaffa Restaurant

Middle Eastern Food Specialist

رستوران کاشر یافا

با غذاهای خوشمزه ایرانی در محیطی
زیبا در قلب فرفکس افتتاح شد

370 N. Fairfax, Los Angeles
213 • 936•7777

Hours:
Sunday-Thursday 11a.m. - 11p.m.
Friday 11 a.m. - 3 p.m.
Saturday Sundown - 12

YAFA CATERING SERVICES
213• 656•9232

در یافا از میهمانان خود شاهانه پذیرایی کنید



International Judea Foundation
P.O.Box 3074 • Beverly Hills, CA 90212